

به نام یگانه معمار هستی



نشریه علمی - فرهنگی

سال دوم - شماره پنجم
زمستان ۹۸ و بهار ۹۹

موضوع این شماره: معماری بدون معمار
نشریه علمی-فرهنگی و دانشجویی
سال دوم | شماره پنجم | زمستان ۹۸ و بهار ۹۹

ارکان نشریه:

صاحب امتیاز: محمدتقی راسفیجانی
مدیرمسئول و سردبیر:
محمدتقی راسفیجانی
مشاور علمی نشریه:
دکتر جمال الدین سهیلی
دکتر ابوالفضل کربلائی حسینی غیاثوند
مدیر داخلی: بهناز منتظر
مسئول روابط عمومی: فرشید رحیمی کلهرودی

هیئت تحریریه:

فرید توکلی / محمدتقی راسفیجانی / فرشید رحیمی
کلهرودی / فاطمه سرحدی / ابوالفضل کربلائی
حسینی غیاثوند / بهناز منتظر

همکاران این شماره:

انوشه پیربادیان / محمد اسماعیل حیدری /
الناز ضرغامی سلطان احمدی / حسین عندلیب /
زینب سادات میرطالب

گروه هنری نشریه:

طراح جلد: علی نفری پور
صفحه آرا و طراح داخلی: مهدیس هوشیار

با تشکر فراوان از:

معاونت فرهنگی-دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
معاونت پژوهشی دانشکده معماری و شهرسازی
مترجم: بهناز منتظر

راه‌های ارتباطی:

نشانی دفتر نشریه: قزوین، بلوار نخبگان، دانشگاه
آزاد اسلامی قزوین، ضلع غربی مسجد امام
رضا (ع)، ساختمان حوزه امور فرهنگی،
طبقه دوم، خانه نشریات
تلفن ثابت: ۵۲۷۵ ۳۳۶۶ ۰۲۸ (داخلی ۶۰۰۶)
ایمیل: info.asemanehmag@gmail.com

این نشریه دارای مجوز شماره ۹۷/۲.ک.ن مورخ
۱۳۹۷/۰۳/۲۰ از معاونت فرهنگی-دانشجویی
دانشگاه آزاد اسلامی قزوین می‌باشد.

هر یک از مقالات این مجموعه تنها
منعکس‌کننده نظر مؤلف آن است و هدف آن،
ارائه اندیشه‌های گوناگون در باب معماری و
شهرسازی می‌باشد.

نقل بخشی از یک مقاله یا مطلب نشریه با
ذکر نام و مأخذ آزاد است.

فهرست

یادداشت‌ها و مقالات

- معماری بی معمار / محمد اسماعیل حیدری ۶
- طبیعت، به عنوان یک معمار / بهناز منتظر ۸
- تبیین ویژگی شهرهای قدیمی با بافت های ارگانیک / الناز ضرغامی سلطان احمدی ۱۴
- بیومیمکری؛ الگوی معماری مبتنی بر ماهیت جانداران / فاطمه سرحدی ۱۸
- خاطره؛ مولف های پنهان / سید فرید توکلی ۲۲
- معماری نمادین جلوه ای از معماری بدون معمار / ابوالفضل کربلائی حسینی غیاثوند ۲۶

معرفی نمونه ها و آثار

- معماری بدون معمار با بررسی معماری روستای شیلاندر / فرشید رحیمی کلهرودی ۳۰
- گذری بر نمونه های بدون معمار در سراسر جهان / محمدتقی راسفیجانی ۳۶

گزارش‌ها و تازه‌های معماری

- دیواری با صدای شما! / زینب سادات میرطالب ۳۸
- روستای اصفهک برنده جایزه TODO2020 / زینب سادات میرطالب ۳۹

اخبار و مقالات فرهنگی

- مردم، حضور و یک تصمیم / محمدتقی راسفیجانی ۴۲
- ضرورت اقامه نماز جماعت در دانشگاه / حسین عندلیب ۴۳
- فرصت شرکت در جشنواره موج تمديد شد ۴۷
- برگزاری دومین دوره طرح دانش افزایی شهید شهریار در دانشگاه آزاد قزوین ۴۷
- برگزاری دوه آموزشی عفاف و حجاب و راهکارهای گسترش آن در جامعه ۴۸
- برگزاری کارگاه آموزشی نماز ۴۸
- برگزاری کارگاه آموزش فرهنگ عمومی با عنوان (موفقیت در روابط اجتماعی) ۴۹

معرفی کتاب

- تکنولوژی و معماری بومی ۵۰
- توسعه پایدار و معماری بومی در ایران ۵۰



گشایش

به نام آنکه زیباست و زیبایی را دوست دارد...

به نام آن که خالق است و عالم همه تجلی وجود اوست. به نام او که لطیف است و مهربان.

به نام خداوند زمین و آسمان...

به نام خداوند قلم...

و به نام خداوند آسمانه‌ها...

به نام او که توفیق عطا نمود تا قلم در دست گیریم و از آسمانه‌ها بگوییم.

و اکنون که به آخرین برگ از این سری از آسمانه رسیده‌ایم، بر خویش واجب می‌دانم که از زحمات تمامی دوستانم که جهت به ثمر رسیدن این نشریه مجدانه تلاش نموده‌اند، صمیمانه قدردانی نمایم. رسالت این نشریه بر این بود که هرچند کوتاه به زیبایی‌ها و دغدغه‌های معماری بپردازد؛ سعی‌مان بر این بود که بتوانیم به طریقت صحیح این مهم را به انجام رسانیم و بتوانیم جایگاه و خاطره‌ای از خود در ذهن مخاطبانمان به یادگار بگذاریم. باشد که در روزگاری دگر شاهد شروعی دوباره برای آسمانه باشیم. ■

با تقدیم احترام
ابوالفضل کربلایی حسینی غیاثوند
بهار ۱۳۹۹

سخن سردبیر

انسان امروز ثمره توسعه، ممارست و مکاشفاتی است که پی‌درپی و با پوست‌اندازی‌هایی مداوم در درازای تاریخ ریشه دوانده است. پناه بردن به غارها تا فتح تمام اراضی، محصول شکوفایی پتانسیل‌های نهان وی بوده است که تجربه مبنای آن است. معماری نیز همچون المان‌های دیگر که با واسطه‌هایی بدل نیاز بنیادین انسان است، نتیجه این توسعه است؛ محصول تجربی که در قرون اخیر به دانشی آکادمیک بدل گشته است؛ اما در کش‌وقوس تدوین اصول و تحول این علم، عموم شهرها و بناها بر مبنای دانش تجربی ساخته می‌شدند که همین ساختار، محصول علم یک معماری تعلیم‌دیده نبود. بناهایی بدون معمار که حالا به‌عنوان میراث تعامل شناخته می‌شوند. تعامل نه با محیط، نه با فرد بلکه با ریز اجزای پیرامون، چه مادی و چه غیرمادی. دانشی سینه‌به‌سینه منتقل شده که ابعاد مختلفی از نیاز کاربرش را پاسخ می‌داد بدون اینکه درگیر هزارتو قوانین هنر، ابعاد و ریخت شود.

شماره پنجم نشریه آسمانه به معماری می‌پردازد که ریشه در بوم دارد و محصول خودساخته و گسترش‌یافته همان منطقه است. شگفتانه‌هایی که هم اکنون محل تعمق اساتید و انسان کنونی است. این شماره نشریه در پی رسالتی که به آن متعهد بوده است و همچون شمارگان پیشین خود تلاش کرده تا دیگر ابعاد معماری را در کنش با جنبه‌های مختلف هنرها و زندگی و به شکلی ساده در حد بضاعت خود به رشته تحریر درآورد تا نه‌تنها برای مخاطب عام جذابیت داشته باشد بلکه گوشه چشمی به محافل دانشجویی نیز داشته باشد. ■

محمدتقی راسفیجانی
مدیر مسئول و سردبیر نشریه علمی-فرهنگی آسمانه
بهار ۱۳۹۹

معماری بی معمار

نویسنده: محمد اسماعیل حیدری
دانشجوی پژوهش هنر - دانشگاه مموریال کانادا
mohamadheidari.v@gmail.com

زیر سؤال می‌رود و هر آنچه هست به کنشی به نام ساختمان و ساختمان‌سازی جای می‌دهد. چطور و از کجا روزنه‌ی بین معمار و اجتماع از هم گسیخت؟ تأثیرات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی بود و یا یک سوءاستفاده‌ی مضحک از بی‌آگاهی اجتماع؟

معماری بدون معمار نوعی ضد قناعت است. قانع بودن نسبت به چیزی که از آن تو نیست، برای تو نیست و تحمیل ناپذیر است. معماری بدون معمار از تعیین انتقاد می‌کند و تکلیف را انجام نمی‌دهد؛ آنچه مهم است تو و امیال توست. تو و مقدار کیفیت مطالبه گر تو در زمان حضور است چراکه به قول محمود درویش فلسطینی: تنسی، کاتک لم تگن.

شاید یکی از قابل تعمق ترین واژگان، واژه‌ی «تعلق» باشد. این واژه بار معنایی سنگینی را به دوش می‌کشد و سراسر به یک انگیزه، شدن و بودن اشاره می‌کند. حس تعلق همان نفی غربت است، نه نفی‌ای که از عادت وام می‌گیرد بل حسی عمیق که تمام نیازهای فیزیولوژیکی، امنیتی، اجتماعی، احترامی و خود شکوفایی را در بر می‌گیرد؛ و این مهم شدنی نمی‌شود مگر حکمران یک سناریو خودمصرف کننده باشد و نه سیاست موجود.

اگر هویت را کنشی زمانی مکانی بپنداریم، هنر و هویت معماری امروز سپردن و نساختن است. نساختنی که به مراتب بالارزش‌تر و والاتر از ساختن

تعیین می‌کند؛ اما این تلاقی دیکتورانه از زمانی حاصل شد که معمار به مثابه‌ی این کل بالاتر تصمیم بر خط گرفت و دیوارها را چنان که می‌اندیشد، می‌سازد و در نهایت هدیه‌ای زشت-زیبا را به مخاطب و مصرف‌کننده‌اش تحمیل کرد. این رویکرد به ظاهر با دیسیپلین سرآغاز تمام معضلات رفاهی، فرهنگی و اقتصادی بود تا جایی که می‌توان گفت آیندگانمان هم از این کنش بی‌بهره خواهند ماند.

معماری بی معمار یک انقلاب سیاسی است. یک رویکرد با جسارت و تنفسی به نام آزادی است. معماری بی معمار همان اتوپلن‌هایی هستند که هوش مصنوعی جایش را به حس و غریزه‌های جنسی و روحی می‌بخشد. یک ماوا برای ذهن یک انسان با آن چیزی که در فاصله‌ی دو نبودن می‌فهمد؛ یک لقاح. دادوستد ریشه‌دار مابین عاشق و معشوق. یک سیاست متداوم که برحسب نظر سیاسیون بنا نشده است بلکه «فرد» ارزش‌گذار آن است.

معمار امروز به هیچ عنوان درک درستی از جایگاه خود ندارد او به جای معلمی تحمیل آموخته، به جای تأثیرگذاری تأثیرپذیر شده، به جای تصمیمات سیاسی-اقتصادی یک پروژه تکنیک‌های ساخت آموخته و این روند تا جایی پیشرفت می‌کند که تربیون دیکتاتورانه-بوروکراتیسمی را انتخاب می‌کند که زمین به منزله‌ی یک دارایی

زمین به مثابه‌ی بستری متنفس در پهنه‌ی عملکرد، ساکن و ثابت و مسکون و منعطف حضور دارد. ارتزاق زمین از ماهیت حیاتی است که در رگ‌های صفحه‌ی آن ریشه دوانده؛ به مانند جوی که از علاقه به ره خودخواسته‌ی آب تأثیر می‌پذیرد. زمین نیز همان ظرف است چنانکه جوی؛ و انسان همان آب است که به اعماق و امیال و احکام بیکران می‌اندیشد و مابقی همه بروکراتیسمی است که به حال این عرصه (زمان) ریخته می‌شود. همان «چیزهایی» تو را از تو جدا می‌کند و تجربه‌ی خودخواسته‌ات را بر مبنای توهمی که معمار در ذهن مغرور خویش می‌پروراند، انکار می‌کند.

همان تحمیلی که بر کاغذ رد می‌اندازد و بر امیال تو تصمیم شخصی تجربه‌شده و یا تجربه نشده‌ای را حکم می‌کند. یک جسارت قانون‌مند و الزامی که عوارضی نهان را به دنبال خواهد داشت و مسبب تغییر طبع مصرف‌کننده می‌شود و هیچ مصلحتی بر آن نیست چراکه او (انسان) برای تعلیق این حس منجر تنها به آویز یک قاب خاطره آمیز به دیوار اتاقش قانع است؛ و یا همان سندروم غمگین استکھلم رقم خواهد خورد که عاشق زندانت می‌شوی تو را از تو گریزی نیست چراکه توانی نداشته.

بین زمین و حضور یک پیوند معلق در میان است که کیفیت شاخصه‌ی آن را میزان رضایت یک انسان بر صفحه

نقشه‌های دوبعدی. معمار نوعی ریاست جمهوری دموکرات است که برحسب نیاز جامعه‌ی مخاطبی خویش سیاست جز به‌جز تزریق می‌کند و این اجزا به یک کل منسجم هوشمند می‌رسند. آنچه برای معمار مهم تعلق می‌شود مخارج مشترک شهروندان و زمان است. یکی از مهم‌ترین این مخارج‌های مشترک اقتصاد به‌منزله‌ی بهبود سطح کیفی مصرف‌کننده است. معمار از طریق سیاست‌های بین‌رشته‌ای فراگرفته موظف است به نیین اساسنامه‌هایی در خصوص روشنایی و روشن ماندن چراغ اقتصادی مخاطب خویش. چه در حوزه‌ی پروژه‌های کلان‌مقیاس و چه در خرد مقیاس‌ها. یکی دیگر از این وظایف ایجاد امنیت از طریق دیزاین لیس کردن و برون‌سپاری پروژه‌ها به‌منظور مواجه و تقابل شهروند با چالش‌های چون تأمین امنیت رفتاری است. چنان‌که یک فضای بی‌نام همچو بومی سفید در اختیار مخاطب قرار خواهد گرفت.

دعوی عشاق را شرع نخواهد بیان
گونه‌ی زردش دلیل ناله زارش گواست ■



محسوب می‌شود. رها کردن به‌مثابه‌ی شناساندن و راه‌اندازی جنبش‌های آزادی‌خواه و تکمیل فرآیندی که از دل تمام دغدغه‌هایش مصرف صحیح خارج شود. صحیح به معنای ایجاد تعلق برای مخاطب معمار.

به‌مثابه‌ی احترام به شهر و شهروند. به انسانی که شعور تصمیم‌گیری دارد و می‌تواند برحسب آنچه می‌داند و حتی نمی‌داند زندگی کند. چراکه به قول سانتاگ کبیر: حقیقتی وجود ندارد و هر آنچه هست تفسیر است. آنچه امروز به‌عنوان یک اصل اساسی در مکاتب معماری و فلسفه مورد بحث است دیزاین لیس بودن یک طرح با رویکرد خودساختگی است. چنان‌که این عملکرد شامل یک زمین خام تا چندین فضا در طبقات می‌شود. فضاهای بی‌نامی که هیچ عملکردی بر آن‌ها تحمیل نشده و حتی انعطاف‌پذیرند.

چنان‌که درگذشته‌ی معماری خودمان یک فضا بسته ساعت عملکردهایی چون صبحانه خوری، پذیرایی و اتاق خواب را به خود می‌دید و هیچ باید در حریم یک فضا قلمرو نداشت. آنچه معمار بدان تعلق دارد نه حجم است و

طبیعت، به عنوان یک معمار

نویسنده: بهناز منتظر

دکتری تخصصی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
Behnaz.montazer@gmail.com

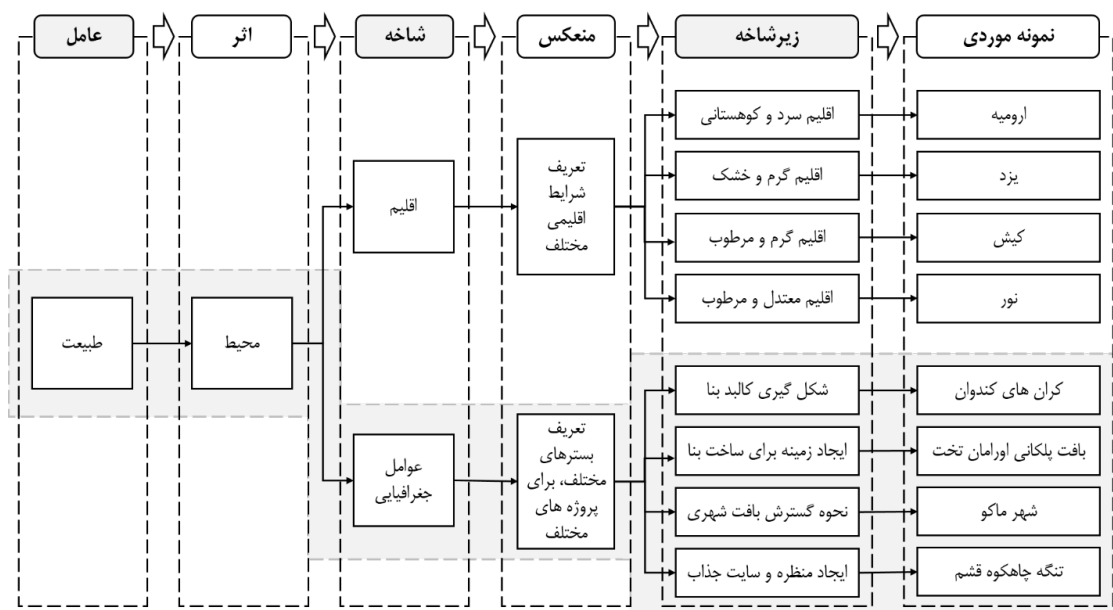
Architecture without an architect is architecture that is built without the intervention of the architect, without a pre-determined plan and beyond the rules and regulations set in each region / country or academic education. One of the types of architecture without an architect is the creation of architectural projects by nature, as a builder, or in other words, the use of environmental features of the site (context potentials and project site, derived from geographical factors). Nature, as an architect, can architecture in various fields. These include building the body of the building, influencing on how the urban texture expands, creating the correct context for building, and ultimately creating attractive and pleasant landscapes.

معماری بدون معمار، معماری است که بدون دخالت معمار، بدون طرح و نقشه‌ی از پیش تعیین شده و ورای قواعد، ضوابط و مقررات وضع شده در هر منطقه/کشور یا تحصیلات آکادمیک ساخته می‌شود. یکی از انواع معماری بدون معمار، ایجاد پروژه‌های معماری توسط طبیعت، به عنوان یک سازنده یا به عبارتی بهره‌گیری از ویژگی‌های محیطی سایت (پتانسیل‌های بستر و سایت پروژه، نشأت گرفته از عوامل جغرافیایی) می‌باشد. طبیعت به عنوان یک معمار، می‌تواند در حیطه‌های مختلفی معماری نماید. از آن جمله می‌توان به ایجاد کالبد بنا، تاثیرگذاری بر نحوه گسترش بافت شهری، ایجاد زمینه مناسب برای ساخت بناها و در نهایت ایجاد مناظر جذاب و دلنشین اشاره کرد.

تاثیر طبیعت بر محیط

برای ساخت بناها خودنمایی کند. گاهی می‌تواند عامل نحوه گسترش بافت یک شهر باشد. گاه می‌تواند خود ایجاد کننده مناظر و سایت‌های جذاب و دلنشین باشد. حتی می‌تواند خود عامل ایجاد کننده‌ی کالبد یک بنا باشد. که در ادامه به بررسی هر یک، به صورت جداگانه با ذکر نمونه موردی از آن عامل در کشور ایران پرداخته خواهد شد.

همانگونه که در نمودار ذیل قابل مشاهده می‌باشد، طبیعت به عنوان یک سازنده می‌تواند بر محیط توسط دو عامل اقلیم و عوامل جغرافیایی تاثیر بگذارد. که این پژوهش، طبق مسیر مشخص شده در نمودار، به بررسی عوامل جغرافیایی و نقش‌های آن در ایجاد و تعریف بسترهای مختلف در پروژه‌های مختلف دارد، خواهد پرداخت. این تاثیر می‌تواند گاه به صورت ایجاد زمینه خاص (Context)



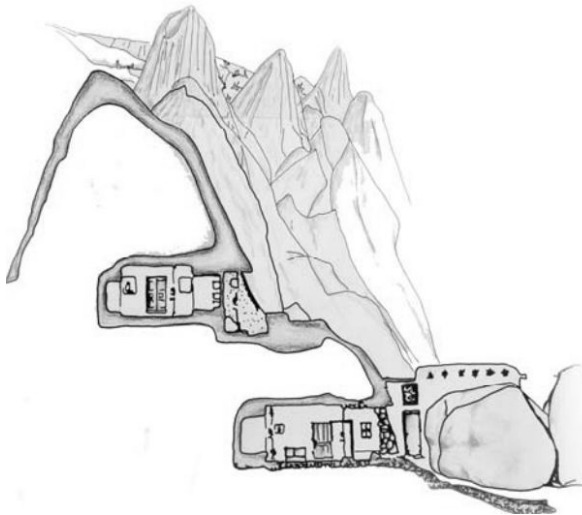
● ● ایجاد مختلف معماری طبیعت (منبع: نگارنده) ● ●

این دسته از معماری که طبیعت در شکل گیری آن تاثیر داشته را می توان جزئی از معماری دستکند نیز به حساب آورد. در ادامه به بررسی معماری صخره‌ای روستای کندوان به عنوان یک نمونه خوب از تاثیرگذاری طبیعت بر فرم کالبدی بناها در ایران پرداخته خواهد شد.

روستای کندوان

روستای کندوان در ۶۵ کیلومتری جنوب شهر تبریز و در نزدیکی شهر اسکو قرار گرفته است. به طبقات لاهار و ایگنمبریت صخره های این روستا که حاصل فعالیت کوه های آتشفشانی ارتفاعات سهند در ۱۴۰ هزار سال قبل می باشد و به تدریج با گذشت زمان، پوسته‌ای از سنگ توف بر روی آنها شکل گرفته است، کران می گویند. ارتفاع کران های این مجموعه تا ۱۵ متر و قطر آن ها در حدود ۵ الی ۸ متر می باشد. کران ها به شکل های مختلف جفتی، تکی، مخروطی شکل و دوک مانند شکل گرفته اند.

نحوه گسترش بافت این روستا، شرقی-غربی بوده تا امکان استفاده حداکثری از نور خورشید برای کران ها به واسطه ی ایجاد پنجره های کوچک فراهم شود. در تصاویر زیر، نمونه ای از پلان، مقطع و شمای کلی از این بناهای صخره ای، قابل مشاهده می باشد.



۱. تاثیر طبیعت بر شکل گیری کالبد بنا

همانگونه که می دانیم، عوامل مختلفی بر معماری تاثیر گذارند؛ که از آن جمله می توان به عوامل اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی آن منطقه اشاره کرد. اما در ساخت برخی از بناها، طبیعت و زمین شناسی منطقه نقش مهمتری را ایفا می کند؛ که از آن جمله می توان به تاثیر طبیعت بر بناهایی در بافت روستایی اشاره کرد. صخره های طبیعی که کمترین دخل و تصرفی توسط بشر جهت شکل گیری آنها رخ داده است. به عبارتی، مصالح ساختمانی در شکل گیری آنها تاثیری نداشته اند؛ بلکه معماری از دل فضا و سایت پروژه شکل گرفته است. صخره هایی که به تدریج با حفر حفره هایی در دل شان، فضاهای سکونت ایجاد شده اند. معماری صخره ای را می توان به دو دسته تقسیم بندی کرد:

۱. صخره های بزرگ و مجزا از یکدیگر با امکان تعریف نمای خارجی برای آن ها، که نمونه ای از آن را می توان در روستای صخره‌ای کندوان آذربایجان شرقی مشاهده کرد که طبیعت، مهم ترین نقش را در ایجاد آن داشته است.
۲. صخره های متعدد در دل کوه بدون امکان تعریف نمای خارجی مانند پنجره؛ که نمونه‌ای از آن را می توان در روستای میمند کرمان مشاهده کرد.

● پلان کران (ماخذ تصویر: سبطی افتری و همکاران، ۱۳۷۲) - مقطع کران (ماخذ تصویر: سبطی افتری و همکاران، ۱۳۷۲) ●

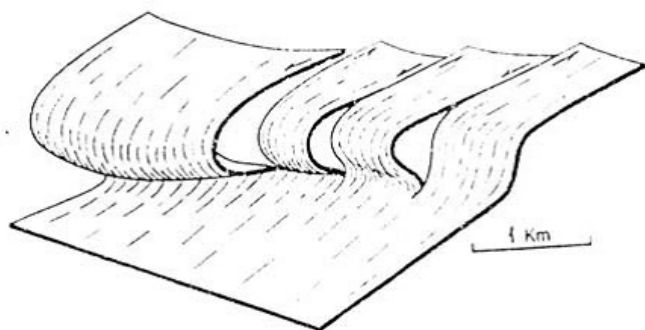


●● نمای کلی روستای کندوان (منبع تصویر: نگارنده) ●●

۲. تاثیر طبیعت بر ایجاد زمینه، برای ساخت بنا

در این گونه، عوامل متعدد طبیعی و محیطی، از فاکتورهای اصلی در نحوه شکل گیری و استقرار بناهای یک بافت از منطقه خاص، می باشد. از جمله تاثیرگذاری های طبیعت بر این گونه، می توان برای مثال به حالت پله پله ای سایتی وسیع، جهت تشکیل آمفی تئاتر روباز یا بهره گیری از پستی بلندی های آن، در راستای ایجاد فرمی همانند آن، چنانکه در

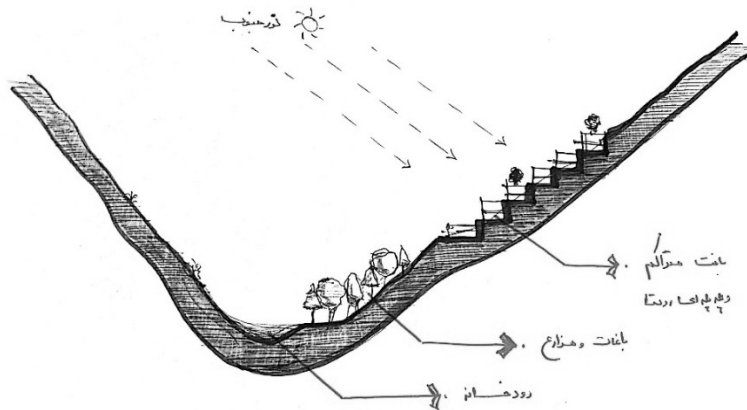
پروژه مجموعه فرهنگی سانتیاگو دکومپوستلا -اسپانیا- ۲۰۰۶ پیتر آیزنمن قابل مشاهده می باشد، اشاره کرد. همانطور که در تصاویر ذیل دیده می شود، در این روش صرفا به تقلید از شکل زمین، جهت ساخت فرم یا زمینه ی جدید، جهت ساخت بنا بهره گرفته شده است. در این پروژه، از لایه های زمین منطبق با نیروهایی که به آن وارد می شود، فرم مورد نظر اقتباس شده است.



●● مجموعه فرهنگی سانتیاگو دکومپوستلا، اسپانیا (منبع: www.etood.com) ●●

اما یکی دیگر از انواع متداول اثر گذاری طبیعت بر ایجاد زمینه ای خاص، ایجاد شیب تند و مهیا کردن بستر مناسب برای ساخت روستاهای پلکانی می باشد. در این حالت، شاهد بافت پیچیده ای از خانه ها که بر روی شیب کوه شکل گرفته اند، می باشیم. در این بافت، عامل محدود کننده شیب، یک فرصت جدید برای ساخت بناها توسط اهالی منطقه محسوب شده و بافت روستا در هماهنگی با عوامل محیطی و جغرافیایی در شیب تند ساخته شده و طبیعتا حالتی پلکانی به خود می گیرد. یکی دیگر از شاخصه های

کالبدی این گونه ساخت و سازها، استفاده از مصالح طبیعی مانند چوب، سنگ، خاک و به ویژه سنگ های طبیعی لایه لایه با ضخامت های متفاوت و ساخت به صورت خشکه چینی می باشد. در نهایت از جمله پارامترهای مهم دیگر آن، توجه به مسائل اکولوژیکی، عدم تخریب زمین و بلکه بهره گیری از آن، توجه به مقیاس، تناسبات و در نهایت احترام به طبیعت می باشد. در این گونه بافت ها، انسان از ویژگی های طبیعی زمین که به او تحمیل شده است، در راستای نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... استفاده می کند.



●● نحوه استقرار بافت روستا (منبع: نگارنده) ●●

در این بین، جهت شکل‌گیری بافت منطقه، پارامترهایی چون ارتفاع، شیب و نحوه پراکندگی منابع آبی از اهمیت به سزایی برخوردار است.

ارتفاع: فاکتور ارتفاع با اثرگذاری بر روی عوامل اقلیمی مانند دما، بارش و تبخیر به صورت مستقیم می‌تواند بر نحوه استقرار سکونتگاه‌های روستایی تأثیر بگذارد. از طرفی، ارتفاع زیاد و کم شدن اکسیژن، مانعی برای زندگی افراد در ارتفاع‌های بیشتر می‌باشد. همچنین مشکلات تاسیسات زیربنایی و خاک مطلوب در ارتفاع از جمله موانع دیگر گسترش بافت روستا در ارتفاعات کوهستانی می‌باشد.

شیب: شیب منطقه ارتباط مستقیمی با مکان‌یابی روستا در بهره‌گیری نور مطلوب و همچنین مکان‌یابی زمین‌های کشاورزی دارد. اصولاً انجام فعالیت‌های کشاورزی و به خصوص فعالیت‌های زراعی در سطوح کم شیب -دامنه‌ی کوه- به دلیل مطلوب بودن شرایط خاک و همچنین نزدیکی به رودخانه، مطلوب‌تر است. همچنین به واسطه شیب تند و پلکانی بودن مجموعه، ناخودآگاه پشت بام یک خانه، حیاط برای خانه‌ای دیگر می‌شود.

منابع آب: یکی دیگر از عوامل تعیین‌کننده موقعیت، الگو و نحوه گسترش بافت روستایی، نحوه پراکندگی شبکه آب یا به عبارتی عبور رودخانه‌های طبیعی منطقه می‌باشد. هر کجا رودخانه‌ای عبور کند، عموماً روستا و باغات در اطراف آن منطقه شکل می‌گیرند. از این گونه بافت روستایی در ایران،

چندین نمونه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به روستای ماسوله گیلان، پالنگان کردستان، اشتبیلان آذربایجان شرقی، کنگ خراسان، اسفیدان بجنورد، هجیج کرمانشاه، رویین بجنورد، سرآقاسید چهارمحال و بختیاری و زنوزق آذربایجان شرقی اشاره کرد. یکی دیگر از این روستاها که در ادامه به بررسی آن پرداخته خواهد شد، روستای اورامان تخت در کردستان می‌باشد.

چندین نمونه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به روستای ماسوله گیلان، پالنگان کردستان، اشتبیلان آذربایجان شرقی، کنگ خراسان، اسفیدان بجنورد، هجیج کرمانشاه، رویین بجنورد، سرآقاسید چهارمحال و بختیاری و زنوزق آذربایجان شرقی اشاره کرد. یکی دیگر از این روستاها که در ادامه به بررسی آن پرداخته خواهد شد، روستای اورامان تخت در کردستان می‌باشد.

روستای اورامان تخت

اورامان تخت، روستایی از توابع بخش اورامانات شهرستان سروآباد در استان کردستان است که در ۶۵ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان مریوان و ۱۷۰ کیلومتری سنندج واقع شده است. طبق تصویر زیر، جهت بهره‌گیری از نور جنوب، استقرار روستا در دامنه کوه و رو به جنوب می‌باشد. و با توجه به شرایط اقلیمی و به منظور جلوگیری از اتلاف

به دلیل عوامل طبیعی، اکثر بناها به صورت فضاهای پر می‌باشند. و فضاهای خالی، مانند حیاط به ندرت در آن دیده می‌شود. همچنین جهت حفظ ارتباط با طبیعت، در این بناها به وفور از ایوان/بالکن استفاده شده است. نکته دیگر در این روستا، وضعیت شیب زمین است که نحوه تعریف همسایگی‌ها را نیز تغییر داده است. از این رو به دلیل بافت و پلکانی بودن آن، خصوصاً در بافت قدیمی روستا، بام (سقف) یک خانه، حیاط خانه بالاتر است.

۳. تأثیر طبیعت بر نحوه گسترش بافت شهری

یکی دیگر از تأثیرگذاری‌های طبیعت، که ناشی از مورفولوژی و جغرافیای خاص یک منطقه می‌باشد، تأثیری است که آن جغرافیای خاص، می‌تواند بر نحوه گسترش یک بافت شهری تأثیر بگذارد. در این حالت، به واسطه زمین‌شناسی خاص منطقه، بافت مورد نظر، مابین دو یا چند رشته کوه محصور شده و از این رو، توسعه شعاعی و همه‌جانبه‌ی منطقه را محدود می‌کند. از جمله نمونه‌های این تأثیرگذاری می‌توان به شهر ماکو اشاره کرد.

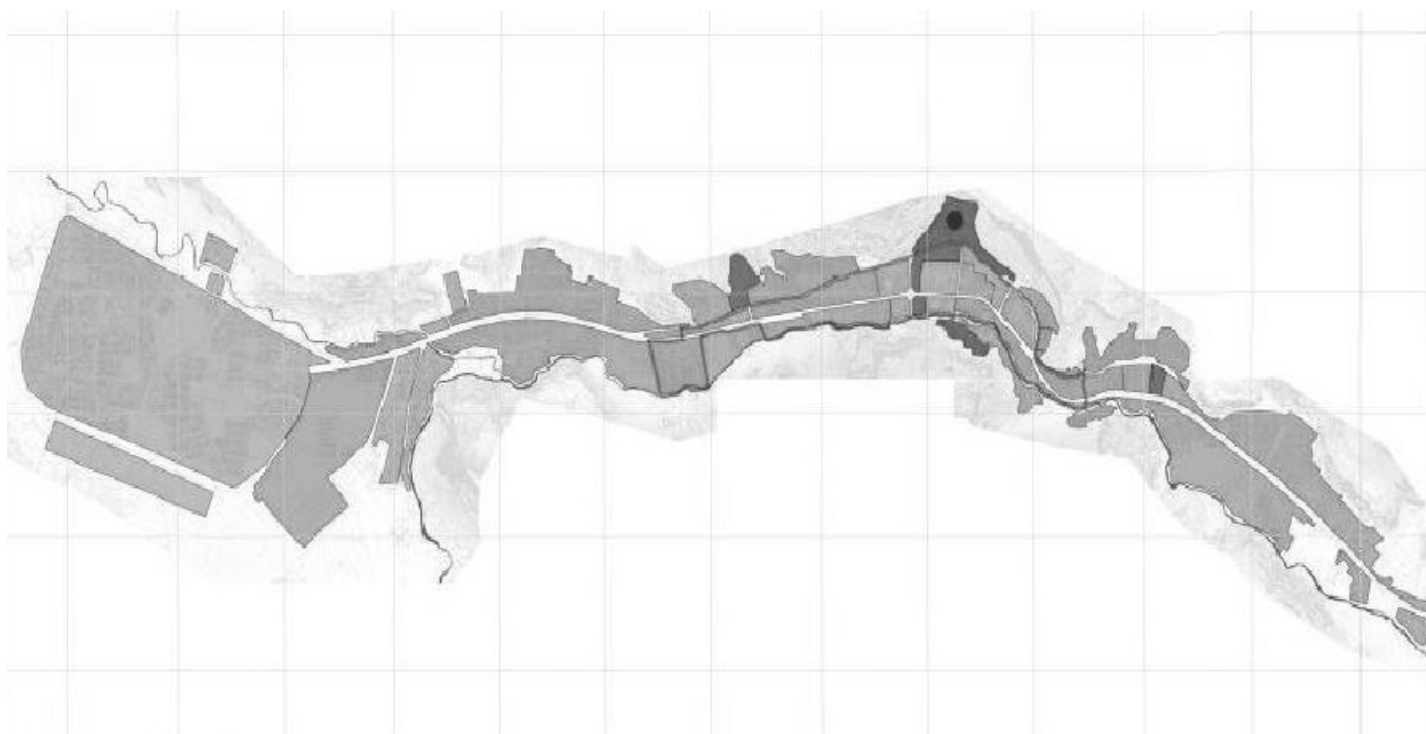


●● نمای کلی روستای اورامان تخت (منبع: www.pinterest.com) ●●

شهر ماکو

رشته کوه های قیه (ساری داش) با ارتفاع بسیار ۳۳۰۰ متری در سمت شمال و رشته کوه های سبد با ارتفاع ۱۵۰۰ متری در سمت جنوب شهر قرار گرفته اند. از این رو، توسعه خطی ماکو، چنانچه در تصویر زیر مشاهده می شود، در داخل تنگه ای به طول ۱۴ کیلومتر صورت گرفته که ناشی از عوامل و شرایط محیطی است که عموماً توسعه شهر را در حالتی دیگر غیرممکن می سازد. البته این زمینه موجود، پایه گذار برخی سوانح طبیعی همچون ریزش کوه و سیل است که در برخی زمان ها این شهرخطی و طویل را تهدید می کند.

شهر ماکو، یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی است و در ۲۰ کیلومتری مرز بازرگان در مسیر محور بین المللی قرار گرفته، است. این شهر، در داخل یک منطقه کوهستانی و در داخل دره ای بنا شده که رودخانه زنگمار نیز از داخل آن عبور می کند. آنچه این شهر را از سایر شهرهای ایران متمایز می کند، موقعیت طبیعی و جغرافیایی خاص آن است که موجب گردیده تا شهر مابین کوه ها محصور شود. از این رو به این شهر، «دانش ماکو» یا «شهر سنگی» نیز می گویند. شهر در حد فاصل دو دسته رشته کوه شمالی و جنوبی به موازات یکدیگر، با فاصله کم حدوداً ۵۰۰ متری، قرار گرفته است.



●● روند توسعه فیزیکی شهر ماکو (منبع تصویر: مهندسین مشاور شهر و بنیان، ۱۳۸۳) ●●

بخش قرمز: سطح توسعه تا سال ۱۳۴۵؛ بخش نارنجی: سطح توسعه از سال ۱۳۴۶ - ۱۳۵۵؛ بخش سبز: سطح توسعه از سال ۱۳۵۶ - ۱۳۶۳؛ بخش خاکستری: سطح توسعه از سال ۱۳۶۴ به بعد



قسمت غربی جزیره و با فاصله ۱۰۰ کیلومتری از آن واقع شده، به عنوان یک مثال، می پردازد.

این تنگه، از دو دره عمود بر هم تشکیل شده که یکی از آنها یک گسل است که به وسیله فرسایش توسط آب های جاری به شکل امروزی در آمده است. در کف یکی از دره ها که امتدادی حدوداً شمالی-جنوبی دارد، حفره های کم ژرف و نیم ژرف چاه ماندی وجود دارند که محل انباشت و ذخیره ی آب های جاری شده در هر بارندگی در دره ها بوده و مورد استفاده اهالی منطقه قرار می گیرند. که جنس دیواره های عمده آن از ماسه سنگ آهکی سست می باشد. ■



۴. تاثیر طبیعت بر ایجاد منظره و سایت جذاب

یکی دیگر از حالت های اثرگذار طبیعت به عنوان یک معمار، ایجاد سایت های طبیعی (مناطق جغرافیایی با پدیده های زمین شناختی خاص) است که از نظر زمین شناسی و ژئومورفولوژی نیز دارای اهمیت به خصوصی می باشند. مهمترین عامل ایجاد کننده ی برخی از این مناظر جذاب زمین شناسی، عامل فرسایش می باشد. در کنار این عامل، پدیده های رسوب شناسی، چینه شناسی و وجود برخی گنبد های نمکی که خود باعث ایجاد برخی رنگ های خاص کانی ها و لایه های مختلف است، از عوامل دیگر در پیدایش این سایت های جذاب توریستی می باشد. از جمله نمونه های این تاثیر گذاری می توان از ژئوپارک قشم نام برد.

ژئوپارک قشم

ژئوپارک قشم، یکی از این نقاط جذاب و دیدنی قشم است؛ که به عنوان اولین ژئوپارک خاورمیانه دارای ظرفیت های ارزشمندی جهت بهره برداری از آن در راستای ارتقاء توریسم منطقه می باشد. فرسایش در این منطقه، حاصل عملکرد باد، امواج دریا، رگبارهای فصلی، تغییرات درجه حرارت، رطوبت، تبلور کانی ها و عوامل ثانوی مانند تکتونیک و نیروی ثقل است. در اغلب مناطق به دلیل فرسایش سریع لایه های زیرین که از جنس غیر مقاوم هستند، زیر لایه های سنگی مقاوم خالی شده و این لایه ها نیز در اثر نیروی ثقل خود فرو می ریزند. همچنین در برخی مناطق، فرسایش بادی و همچنین رگبارهای فصلی بر روی رسوبات کم مقاومت کاملاً موثر بوده و مورفولوژی کاملاً ناهماهنگی را به وجود می آورد که در نهایت منجر به پستی بلندی ها و تورفتگی های زیبا در بافت منطقه می شود.

این ژئو پارک شامل یک سری تاق دیس ها و ناودیس های کم ارتفاع و گنبد های نمکی می باشد که فی المجموع دارای ۱۴ سایت مهم با اشکال ژئومورفولوژی و زمین شناسی مهم می باشد که در این قسمت به معرفی تنگه چاهکوه که در



تبیین ویژگی شهرهای قدیمی با بافت‌های ارگانیک

نویسنده: الناز ضرغامی سلطان احمدی

دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز
e.zargami@tabriziau.ac.ir

The city as a dynamic existent of life and growth, is constantly reconstruction and rehabilitation in all aspects of the physical, cultural, economic, and social. Changes are caused by climate, cultural and economic differences that create different types of cities. Cities can be divided into two categories of organic and pre-planned cities based on formation. The most important feature that distinguishes organic cities from other types is the concept of disorder. Organic cities do not follow specific geometric patterns. So the cities, while disordered, have an understandable and readable urban structure for residents.

شهر به عنوان یک موجود پویا در حال زندگی و رشد، همواره در حال بازسازی و بهسازی در تمام ابعاد یعنی کالبدی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی است. تغییرات ناشی از اختلافات اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی است که باعث ایجاد انواع مختلف شهرها می‌شود. شهرها را بر اساس نحوه شکل‌گیری می‌توان در دودسته شهرهای ارگانیک و از پیش برنامه‌ریزی شده تقسیم نمود. مهم‌ترین ویژگی که شهرهای ارگانیک را از انواع دیگر متمایز می‌کند مفهوم بی‌نظمی است. شهرهای ارگانیک از الگوهای هندسی خاصی تبعیت نمی‌کنند. درواقع این شهرها در عین بی‌نظم بودن، ساختار شهری قابل درک و خوانایی را برای ساکنین دارد.

اساس برنامه دقیق و فراگیر پایه‌گذاری شده است.

«طرح اولیه شهر»، «مدت‌زمان روند رشد طبیعی» و «مقیاس توسعه» سه ویژگی هستند که تفاوت میان شهرهای ارگانیک و برنامه‌ریزی شده را روشن می‌کند. بر اساس نظر بتی و لانگلی (Batty & Longley) مفهوم اصلی که شهرهای ارگانیک را از انواع دیگر متمایز می‌کند، مفهوم «بی‌نظم بودن» است. برخلاف الگوهای منظم، فرم‌های ارگانیک از دستورات هندسی پیروی نمی‌کنند. آن‌ها به راحتی قابل اندازه‌گیری نیستند، زیرا فاقد خصوصیات اساسی مانند تکرار، تقارن، عناصر موازی و ... هستند؛ اما این بی‌نظمی لزوماً توسط بسیاری از صاحب‌نظران شهری به عنوان بی‌نظمی یا آشوب تعبیر نشده است.

در دهه‌های اخیر، تلاش‌های جدی برای یافتن روابط هندسی به منظور کشف پیچیدگی‌های شکل شهری، به جای هندسه ساده اقلیدسی صورت گرفته است. از مهم‌ترین این رویکردها می‌توان به ایده‌های سلسله مراتبی کریستوفر الکساندر (Christopher Alexander)، ایده‌های دستور زبان شکلی مبتنی بر زبان‌شناسی ریاضی مارچ و استینی (March & Stiny)، چیدمان فضا یا تحلیل پیکربندی سیستم‌های فضایی و الگوهای رفتاری هیلیر و هنسون (Hillier & Hanson) و اخیراً، کاربرد هندسه فراکتال در تئوری شهری بتی و لانگلی (Batty & Longley) است.

جولیان هنسون (Julienne Hanson) با تمایز بین «نظم» و «ساختار»، تعریف جدیدی نظم را ارائه می‌کند.

تغییرات ناشی از اختلافات اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی است که باعث ایجاد انواع مختلف شهرها می‌شود. شهرهای ارگانیک باستان، شهرهای قرون وسطای اروپای غربی یا شهرهای سنتی مناطق اسلامی از جمله این نوع شناسی‌ها هستند.

مفهوم ارگانیک ریشه در زیست‌شناسی و بیانگر تشابهات بین اعضای بدن انسان و عناصر شکل شهری است. تعاریف بسیاری درباره شهر ارگانیک ارائه شده است اما در تعریف مناسب‌تر شهرهای ارگانیک به معنای متضاد شهرهای «برنامه‌ریزی شده» یا «از پیش تصور شده» بیان شده است. درواقع شهر ارگانیک شامل محدوده‌هایی می‌شود که در یک نقطه جغرافیایی مستقر شده اما عواملی نظیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی در الگوی کالبدی شهر تأثیرگذار می‌باشد اما در شهرهای برنامه‌ریزی شده، شهر بر





قدیم صحبت می‌کردند این شهر را به همان زبان Brygga نام نهادند که به معنای لنگرگاه است. رودخانه زوین این منطقه را به دریای شمال متصل می‌کرد؛ بنابراین این شهر با توجه به این موقعیت به سرعت به یک مرکز و بندر تجاری تبدیل شد. در قرن ۱۲ رشد و شکوفایی بروژ به عنوان یک بندرگاه بی‌رقیب آغاز شد. مبادلات تجاری که در این شهر انجام می‌شد به خصوص تجارت لباس و منسوجات کم‌کم ثروت هنگفتی را برای این شهر به ارمغان آورد تا جایی که در قرن ۱۴ بروژ عملاً انبار کالای اروپای شمالی بود. در شهر بروژ هم‌زمان معماری، هنر و دیگر اشکال فرهنگ در حال شکوفا شدن بود و مدارس هنری، معماری درخشان ساختمان‌ها و کلیساهای با سبک گوتیک رو به فزونی گذاشت.

عمده اواخر دهه چهل به بعد، بیانگر ترکیب فضایی یک شهر سنتی ایرانی با بافت ارگانیک در دوره اسلامی باشد. شهر یزد دارای محلات متعددی بوده است؛ محلات شهر جایگاه زندگی طبقات اجتماعی مختلف، صاحبان مشاغل گوناگون و پیروان ادیان مختلف بوده است. مراکز محلات در تقاطع و یا در مسیرهای گذر اصلی قرار داشته است. گذرهای اصلی به عنوان یکی از عناصر عمده‌ی ساختار شهر که شبکه‌ی اصلی رفت‌وآمد و ارتباط شهری، پیاده و بارکشی در آن‌ها صورت می‌گرفته و تمام محلات و مناطق شهری را به هم پیوند می‌داده است. شهر بروژ نیز یکی از شهرهای قرون وسطی است که تاریخ آن به قرن ۹ میلادی بازمی‌گردد. از آنجایی که این شهر توسط وایکینگ‌ها کشف شد و آن‌ها به زبان اسکاندیناوی

به اعتقاد او، نظم علاوه بر این که به معنای اصول مبتنی بر یکسان بودن، تکرار، هندسه، ریتم، تقارن، هماهنگی و نظایر آن است، می‌تواند به معنای ایجاد مکان‌های قابل درک از طریق ایجاد تفاوت‌های محلی باشد که به کمک این تعریف هم درک روابط بین اجزا در بافت‌های شهری و هم هویت را می‌توانیم استنباط کنیم؛ بنابراین، یک طرح نامنظم ممکن است احساس قدرتمندی از ادراک را برای ساکنان خود ایجاد کند، درحالی که یک الگوی بسیار مرتب ممکن است برای افرادی که در آن زندگی می‌کنند کاملاً خوانایی نداشته باشد.

اگرچه شکل‌گیری شهرها در فلات ایران حداقل از سه هزاره قبل از میلاد آغاز شد، اما عمده تغییرات تاریخی، شهرهای سنتی را از شهرهای قدیمی متمایز می‌کند. بررسی تاریخ شهری نشان می‌دهد که شهرهای ایران برای یک دوره طولانی، بین اوایل دوره پس از اسلام و آغاز مدرنیزاسیون باوجود برخی از نوسانات جدی، نوع خاصی از شهرها را توسعه داده و ویژگی‌های اصلی آن را حفظ کرده است. در این دوره، شهرها تغییر کردند، برخی از شهرها ناپدید شدند و برخی از شهرها جدید شکل گرفتند؛ اما مفاهیم اصلی استخوان‌بندی شهری در این شهرها تغییر نکرد.

بافت هر شهر کمیتی پویا و در حال تغییر است که وضع کالبدی شهر و چگونگی شکل‌گیری آن را در طول زمان مشخص می‌کند. بافت هر شهر نخست دانه‌بندی فضای کالبدی شهر یعنی فضاهای پر و خالی و مقدار آن‌ها را نسبت به یکدیگر، دوم شبکه ارتباطات و نحوه دسترسی و خصوصیات کلی راه‌ها و کوچه‌ها، سوم چگونگی و نحوه توزیع فضایی فعالیت‌ها و چهارم نحوه شکل‌گیری و مراحل رشد و توسعه‌ی شهر در طی تاریخ را آشکار می‌سازد. به منظور بررسی ویژگی‌های شهر ارگانیک نقشه‌های دو بافت شهر قدیمی دوره اسلامی، شهر یزد و شهر در دوره قرون وسطی شهر بروژ بررسی گردید.

شهر یزد برجسته‌ترین نمونه‌ای است که ساخت آن علی‌رغم تغییرات

در نهایت استخوان‌بندی بافت قدیم را شکل داده بود. در شهر قرون وسطی بروژ علاوه بر این که دارای ساختار متراکم و منسجم است و به لحاظ هندسی از الگوهای خاصی تبعیت نمی‌کند؛ اما تفاوتی که با شهر دوران اسلامی به خصوص یزد دارد در این است که در شهرهای دوره اسلامی مرکزی متشکل از عناصر شاخص نظیر مسجد و بازار شکل می‌گرفت و این مراکز با گذرهایی به یکدیگر ارتباط پیدا می‌کردند اما در شهرهای قرون وسطی به خصوص شهر بروژ شبکه شهری تمایل دارد هسته فشرده‌ای را در مرکز تشکیل دهد. هسته که به‌طور خطی از مرکز محدب به خارج گسترش می‌یابد، همیشه یکپارچه‌ترین و خواناترین قسمت شهر است. هسته همیشه مرکز فعالیت‌های تجاری است. بعضی از مسیرهای اصلی که خطی‌تر هستند و زاویه دید وسیع‌تری دارند، هسته مرکزی را به خارج و سایر نقاط شهر پیوند می‌دهند و بقیه شبکه شهری در اطراف هسته توسعه می‌یابد و زیر ساختارهای محلی بیشتری را ارائه می‌دهد که به‌طور معمول شکسته‌تر و خطی کمتری دارند.

ساختار شهر بروژ به‌رغم بی‌نظم بودن دارای وحدت شکلی بود. کلیسای جامع در مرکز شهر قرار داشت و به‌عنوان یک نشانه قرون وسطی بر کل شهر تسلط داشت. علاوه بر کلیسای جامع مجموعه‌هایی نظیر Market Place که دارای خصوصیات مکانی و فضایی تجاری قرار داشت. بر اساس تصویر شهر یزد متراکم و دارای ساختارهای نامنظم هستند. ساختار این شهر بر اساس الگوی هندسی خاصی و الگوی از پیش برنامه‌ریزی شده شکل نگرفته است. این شهر از محلات متعددی تشکیل شده است. هرکدام از این محلات دارای یک سری عناصر شاخص نظیر مسجد، کلیسا، راسته‌بازار و ... بودند که نیازهای ساکنین این محلات را تأمین می‌نمود. همچنین این عناصر به‌عنوان نقاط نشانه‌ای باعث خوانایی بیشتر بافت‌های شهری می‌شد. محل تلاقی گذرهای ارتباطی هسته‌ای را هم در مرکز شهر و مرکز محلات تشکیل می‌دهد. هسته این مراکز همیشه یکپارچه‌ترین و خواناترین قسمت شهر و همیشه مرکز فعالیت‌های تجاری است؛ بنابراین می‌توان بیان نمود عناصر شاخص و گذرهای ارتباط‌دهنده میان این عناصر باعث شکل‌گیری ساختار محلات و





●● <https://magelan.org> تصویر هوایی از شهر بروژ، پیوند کلیسای جامع با گذرهای اصلی ●●

نتیجه‌گیری

بافت هر شهری کمیته پویا است که در طول زمان رشد و توسعه می‌یابد. در طی روند رشد و توسعه شهر تعدادی از بافت‌های شهری به‌صورت ارگانیک و تعدادی از آن‌ها بر اساس برنامه از پیش تعیین‌شده شکل می‌گیرد. مهم‌ترین ویژگی که این بافت‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند بی‌نظمی است. البته بی‌نظمی به معنای آشفتگی در بافت شهری نیست بلکه به این معنا است که این بافت‌های از الگوهای هندسی خاص، تکرار و ریتم تبعیت نمی‌کند. تغییرات ناشی از اختلافات اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی انواع

مختلفی از بافت‌های شهری را ایجاد می‌کند. بافت‌های شهری ارگانیک باستان، بافت‌های ارگانیک قرون وسطی و بافت‌های ارگانیک مناطق اسلامی در این دسته‌بندی قرار می‌گیرد. در بافت‌های ارگانیک قرون وسطی علاوه بر این‌که دارای ساختار متراکم و نامنظم هستند، شبکه‌های شهری هسته فشرده‌ای در مرکز شهر را تشکیل می‌دهد و بقیه فضاها بر اساس این ساختار گسترش می‌یابد؛ اما در بافت‌های شهری ارگانیک مناطق اسلامی گذرهای اصلی مراکز محلات را به‌عنوان گره‌هایی به یکدیگر پیوند می‌دهد. ■

توسلی، محمود (1381). ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران. تهران: انتشارات پیام پیوند نو.

سلطان‌زاده، حسین (1390). تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران از دوره باستان تا 1355 ه.ش. تهران: انتشارات چهارطاق.

Batty, Michael & Paul Longley (1994). *Fractal Cities*. London: Academic Press.

Hanson, Julianne (1989). "Order and Structure in urban Design: the plans for the rebuilding of London after the Great Fire of 1666."

Kostof, Spiro (1991). *The City Shaped; urban patterns and Meanings through history*. London: Thames & Hudson.

Papageorgiou, Alexander (1971). *Continuity and Change, Preservation in City Planning*. English ed., London: Pall Mall Press.

Vance, James E (1977). *This Scene of Man, the role and structure of the city in the geography of Western civilization*. New York: Harpers College Press

منابع



بیومیمکری؛ الگوی معماری مبتنی بر ماهیت جانداران

نویسنده: فاطمه سرحدی

کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

Fateme_sarhadi2012@yahoo.com

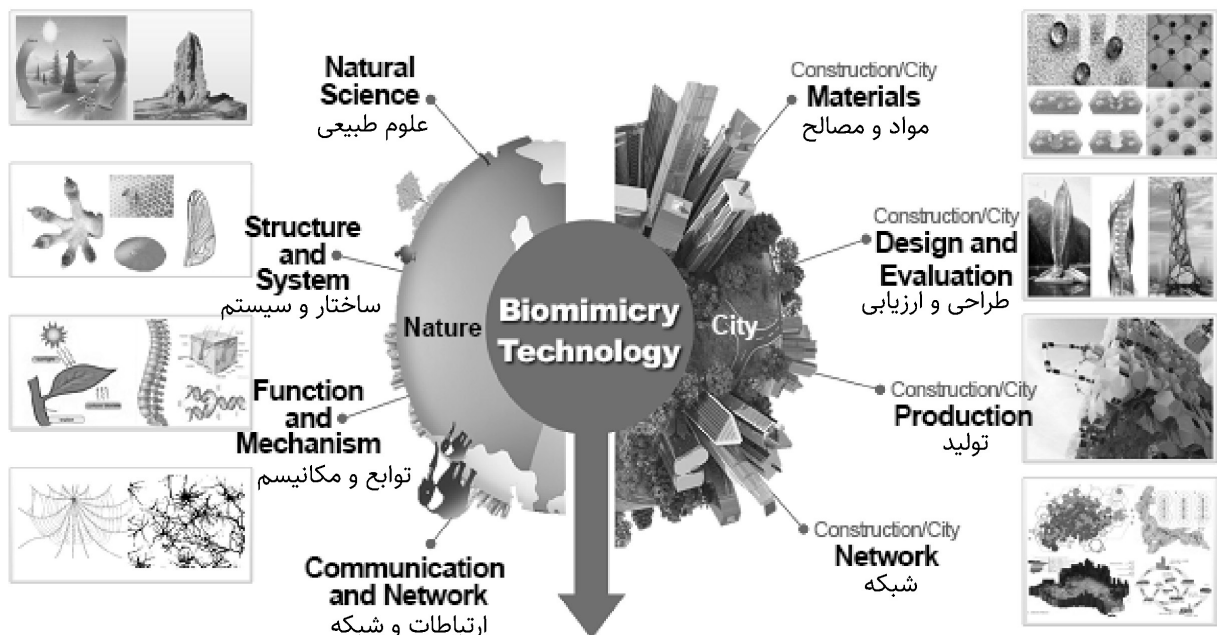
Architecture is often referred to as building science, which is derived from the Latin word Architectura. The Greek translation of the word Arkhitekton is derived from two words Archos meaning manager, and ekton meaning manufacturer, so we put more emphasis on the product manufacturer and the product of design and construction. And in recorded history and encyclopedias, the word architecture is dedicated to memorial structures and visible and objective buildings that are symbols of power and wealth, such as palaces, temples, churches, government centers, airports, and opera halls. Most of these buildings were built by great builders or their successors, professional architects. Those who are responsible for finding a solution to design and construction problems have used the system directly, as a design manager or indirectly as a designer, to set up a system for building. But in the meantime, there are architectures that were not necessarily designed by the architects.

معماری در اکثر اوقات به عنوان علم ساختمان معنا می شود که از کلمه لاتین Architectura گرفته شد. برگردان یونانی کلمه Arkhitekton که از دو کلمه Archos به معنای مدیر، Tekton به معنای سازنده مشتق شده است، بنابراین تأکید بیشتر را بر روی مدیر سازنده محصول و ثمره طراحی و سازندگی می گذاریم. و در تاریخ ثبت شده و دایرالمعارف ها کلمه معماری به ساختارهایی یادواره ای و بناهای مشهود و عینی اختصاص داده شده که نمودار قدرت و ثروت هستند نظیر قصرها، معابد، کلیساها، مراکز و مقرهای دولتی، فرودگاه ها و سالن ها اپرا. اغلب این بناها توسط سازندگان بزرگ و یا جانشینان آنها، معماران حرفه ای، ساخته شده اند. آن هایی که دولت مسئولیت یافتن راه حلی برای مشکلات طراحی و ساختمانی را بر عهده آنان نهاده است، مستقیماً به عنوان مدیر طرح و یا غیر مستقیم به عنوان یک طراح سیستمی را برای برپا کردن بنا به کار برده اند. اما در این میان معماری هایی به چشم می خورد که لزوماً معمار طراح آن ها نبوده است.

تأثیر طبیعت بر معماری

امروز به استفاده از آن به عنوان ماده ای همه کاره، به نوعی شکل گرفته است که طیف وسیعی از نوآوری ها و دیدگاه های کاربردی مطرح در دنیای طراحی نوین به این حوزه ارتباط دارد و به سرعت درحال افزایش است. طبیعت شامل پدیده ها و فرآیندهایی است که از ابعاد بزرگ تا مقیاس نانو در جریان هستند. درک از توابع ارائه شده توسط موضوعات و فرآیندهای موجود در طبیعت می تواند جوامع بشری را به تقلید و تولید نه تنها فرم، بلکه فرآیند و عملکرد مناسب راهنمایی کند. علمی که به طور اختصاصی به این موضوع می پردازد علم بیومیمیکری می باشد که به عنوان زیرشاخه ای از علم بیونیک مطرح است. کلمه بيو ممسیس (Biomimicry) که مرکب از دو کلمه Bio به معنای حیات و Mimesis به معنای تقلید کردن است، به علم نوپایی اطلاق می شود که در آن تکنیک ها و ایده های برتر طبیعت بررسی و از آن در حل مشکلات مهندسی استفاده می شود. برای نخستین بار خانم جنین بنس در سال ۱۹۹۷م. این اصطلاح را بکار برد. رویکرد بیومیمتیک انتقال دانش از علوم زیست شناسی به تکنولوژی است. علم بیومیمتیک، بیش از آنکه بر روی تقلید صرف از ساختار موجود طبیعی تأکید کند، بر روی به کارگیری تکنیک های موجود در طبیعت متمرکز می شود. تقلید

اگر نگاهی گذرا به معماری در طول تاریخ بشر بیندازیم ارتباط تنگاتنگ طبیعت جاندار و بی جان و معماری را خواهیم دید. زیرا معماری با الهام از طبیعت سعی در هرچه بیشتر پایدار نمودن خود کرده و این ارتباط در طول صدهای متعدد به گونه های متفاوتی نمود خود را در معماری نشان داده است که از جمله می توان به تقلید موجودات زنده و یا نحوه همزیستی موجودات با طبیعت اشاره نمود. معماری برگرفته از جانداران نوعی معماری بدون معمار تلقی می گردد و معمار تنها به تقلید از طبیعت جانداران و نحوه مواجهه آن ها جهت بقا در جهان می پردازد. روند تکاملی بشر او را به نقطه ای رساند که تنها راه نجات خود و زیستگاهش را هماهنگ شدن و درس گرفتن از طبیعت و سازکارهای آن دانست. گرچه بشر با نبوغ بی نظیر موفق به کشف ابزارها و راهکارهایی برای حفظ حیات خویش شده است، هیچ پدیده ای را زیباتر، به صرفه تر، ساده تر و متنوع تر از آن چه در طبیعت رخ می دهد، نیافته است؛ زیرا در طبیعت هیچ چیزی ناقص و بیهوده آفریده نشده است. امروزه، رازهای طبیعت برای انسان جست وجوگر منبعی ارزشمند و نامتناهی از بهترین ایده ها و روش های حل مشکلات محسوب می شود. درک پتانسیل های بی نظیر منسوجات و گرایش عمومی جهان



هریک از پنج روش فوق در سه سطح زیر امکان پذیر است:

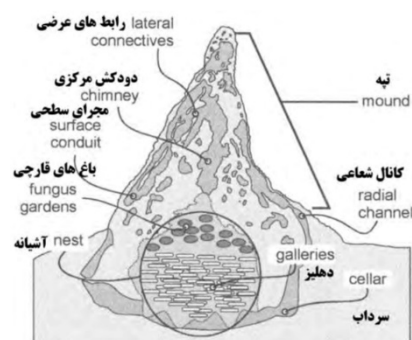
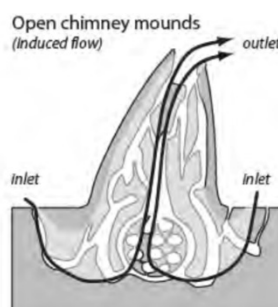
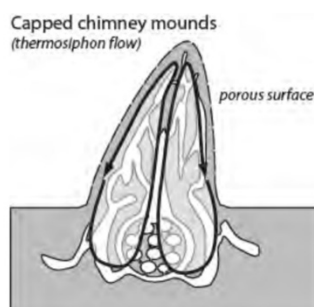
- ۱- ساختار و اندام های موجود زنده
 - ۲- رفتار انفرادی موجود زنده
 - ۳- اکوسیستم و رفتار گروهی موجود زنده
- به منظور درک بهتر از روش های تقلید در سطوح مختلف، جدول همراه با مثالی مرتبط با حوزه معماری ارائه شده است. لازم به ذکر است که نظام ارتباطات و رفتار گروهی موریا نه ها دارای شگفتی های بی شماری است که تحقیقات بسیاری در خصوص آن ها صورت پذیرفته که در بسیاری از موارد، خرد جمعی حاکم بین آنها در بسیاری از زمینه های تکنولوژی و سایر علوم نیز قابل تقلید و بهره برداری است.

آگاهانه به شکل مطالعه موردی راه حل های موجود در طبیعت، به معنی دستیابی به یک بانک اطلاعاتی از راه حل های موفق می باشد که راه گشای مشکلات پیش روی انسان امروز است. در مطالعات صورت گرفته در زمینه بیومیمیکری، مثال ها و نمونه های بسیار وسیعی در منابع مکتوب ارائه شده اند که بدون در نظر گرفتن طبقه بندی از نظر روش تقلید و همچنین گستره آن از نظر سطح مورد توجه، احتمال مغشوش شدن و سردرگمی در حوزه مطالعات وجود دارد. بنابراین به طور کلی می توان پنج روش متمایز را در تکنولوژی تقلید از طبیعت بر شمرد: ۱- تقلید از شکل ۲- تقلید از ماده ۳- تقلید از نحوه ساخت ۴- تقلید از فرآیند (مراحل و روش ها) ۵- تقلید از عملکرد

نمونه موردی: ویژگی های ساختاری و عملکردی لانه موریا نه

چند فاکتور باعث پیدایش این فرم های مختلف در تپه ها می شود ولی هر کدام دارای دمای ثابتی در درون خود هستند و با محیط پیرامون خود در فصول مختلف سال سازگار می باشند.

طبق مطالعات زیست شناسی انجام شده گونه های مختلفی از تپه های موریا نه در نقاط مختلف با فرم های متفاوت وجود دارد که تاثیرات شرایط محیطی و اکوستیکی بر



- ریز فضاهای تپه موریا نه (Turner:2001). - انواع کلی تپه های موریا نه از لحاظ چگونگی انجام تهویه: نوع راست: نوع دود کشی (مورد نظر معماران)، چپ: نوع ترموسیفون (Turner & Soar:2008).

سطح تقلید	روش تقلید	مثال ساختمانی که از موریا نه تقلید می کند
ساخ تار و اندام ها	شکل	ساخ تمانی که شبیه به یک موریا نه باشد.
	ماده	ساخ تمانی که از مواد مشابه اندام های موریا نه مانند پوست یا اسکلت آن ساخته شده است.
	نحوه ساخت	ساخ تمانی که مانند موریا نه دارای دوره های رشد متفاوت باشد.
	فرآیند	ساخ تمانی که مانند موریا نه با ترکیب اکسیژن هوا با هیدروژن، پیوسته آب کافی در دسترس خود داشته باشد (بازیافت ضایعاتی نظیر زباله به بیوگاز و فاضلاب در محل).
	عملکرد	ساخ تمانی که مانند عملکرد موریا نه (که ضایعات سلولزی را به خاک تبدیل می کند) با مواد بازیافتی ساخته شود.
رفتار انفرادی	شکل	ساخ تمانی که گویا توسط موریا نه ساخته شده و شکل آن شبیه به لانه موریا نه است.
	ماده	ساخ تمانی که مصالح آن شبیه مصالح لانه موریا نه است.
	نحوه ساخت	ساخ تمانی که با روش ساخت و ساز موریا نه بنا شده است (کندن زمین و احداث طبقات).
	فرآیند	ساخ تمانی که مانند لانه موریا نه دارای مناسب ترین جهت، شکل و مواد باشد.
	عملکرد	ساخ تمانی که شرایط داخلی آن از جهت شرایط حرارتی همواره در یک دمای بهینه باشد.
اکوسیستم و رفتاری گروهی	شکل	ساخ تمانی که شبیه به اکوسیستمی است که موریا نه در آن زندگی می کند.
	ماده	ساخ تمانی که منابع طبیعی موجود در اکوسیستمی که موریا نه در آن زندگی می کند ساخته می شود.
	نحوه ساخت	ساخ تمانی که مانند اکوسیستم موریا نه از اصول توالی و پیچیدگی در طول زمان بهره ببرد.
	فرآیند	ساخ تمانی که مانند اکوسیستم موریا نه انرژی را از خورشید دریافت کرده و آب را ذخیره می کند.
	عملکرد	ساخ تمانی که مانند اکوسیستم موریا نه از ارتباط بین چرخه آب، کربن و نیتروژن بهره برداری می کند.

● جدول ۱: مثالی از چارچوب کاربرد بیومیمتیک (قیابکلو، ۱۳۹۱: ۱۹). ●

در تپه موریا نه دو نیاز اساسی وجود دارد:

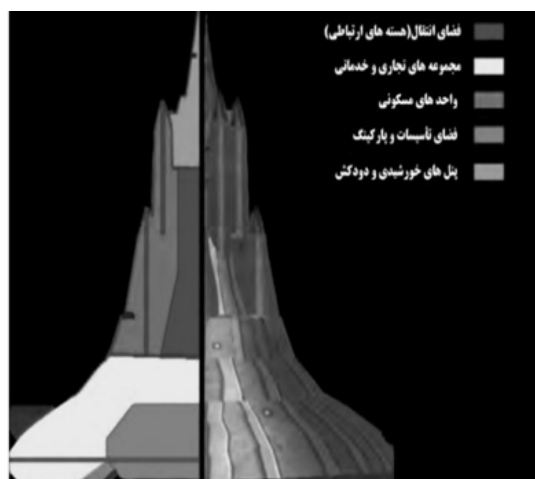
۱. از دست دادن حرارت موجود در تپه

۲. انتقال هوای موجود درون تپه به سمت بیرون

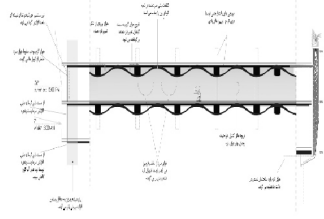
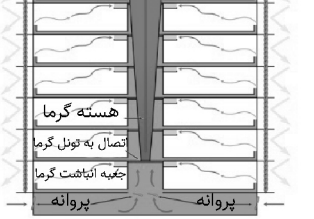
که این دو نیاز باید به گونه ای انجام شود که دمای تپه ثابت و میزان رطوبت تپه در کیفیت بالایی قرار گیرد. در شرایط مطلوب بهترین راه موجود در تپه موریا نه برای برطرف کردن این دو عملکرد، تهویه طبیعی است که با توجه به محیط پیرامون تپه به ۲ فرم متفاوت در درون تپه ها صورت می گیرد.

ارائه راهکاری برای ارتقای تهویه طبیعی درون ساختمان بهترین راهکار برای ایجاد تهویه طبیعی، ایجاد یک فضای عمودی به صورت کانال های پیوسته به پشت بام می باشد. تا بتوان طبق فرآیند موجود در تپه موریا نه هوا را از پشت بام مکش و در زیر زمین خنک کرد. نیازهایی مانند وجود نور و منظر از پوسته های ساختمان برای کاربری های مسکونی و تجاری در ساختمان ایجاد می گردد.

در ادامه به معرفی دو بنای ساخته شده با الهام از عملکرد تهویه لانه موریا نه مطابق با جدول شماره ۲ پرداخته خواهد شد.



● بررسی عملکردهای مناسب درون ساختمان تپه موریا نه با اساس ویژگی های تهویه طبیعی (www.lgcnblog.com/inside) ●

ساختمان شماره ۲		ساختمان شماره ۱	
توضیحات	تصویر بنا	توضیحات	تصویر بنا
این ساختمان هوشمند ساخته شده و در آن از تکنولوژی مدرن نیز استفاده شده است ولی این سیستم ها فقط در مواقع اضطرار بکار می آیند تا شرایط مطلوب را حفظ کنند.		هوای گرم مستقیم از دودکش خارج می شود. اگر توربین یا موتورهای استرلینگ روی دودکش ها نصب شود، میتواند برای تولید انرژی مورد استفاده قرار گیرد.	
	مشخصات بنا		مشخصات بنا
	نام پروژه		نام پروژه
	معمار		معمار
	موقعیت		موقعیت
	اقلیم		اقلیم
	مساحت		مساحت
	تعداد طبقات		تعداد طبقات
	مصالح اصلی		مصالح اصلی
	بتن، فلز و چوب		بتن و آجر
	نام پروژه		نام پروژه
	معمار		معمار
	موقعیت		موقعیت
	اقلیم		اقلیم
	مساحت		مساحت
	تعداد طبقات		تعداد طبقات
	مصالح اصلی		مصالح اصلی
	بتن، فلز و چوب		بتن و آجر

جدول ۲: ساختمان ساخته شده با الهام از لانه مورینه (منبع: نگارنده)

نتیجه گیری:

انسان از ابتدای آفرینش به نوعی از محیط زیست اطراف خود الهام گرفته است و در ساخت و طراحی وسایل مورد نیاز خود از آنها استفاده کرده است. بیونیک و معماری بیونیک علمی است که به الهام یابی فنی از ساختمان ها، رفتارها و ارتباطات گوناگون عالم جانداران می پردازد. عنکبوت ها با طراحی و بافتن ریسمان هایی که به استحکام پولاد هستند ، برای خود آشیانه هایی می سازند ، یا زنبورها با رعایت کلیه قوانین هندسی ، پناهگاهی امن و مطمئن برای خود طراحی می کنند. مورینه ها خانه های خود را در بیابان ها در هوایی بسیار گرم می سازند و تلاش می کنند با کندن

راههایی پیچیده در خاک ، سیستم گرمایی و تهویه داخل لانه های خود را خنک و متعادل نگه دارند. تمامی این ساخت و سازهای موجود در طبیعت پس از طی سالیان زیاد از زندگی بشر توانسته اند با ویژگی های منحصر به فرد خود در طبیعت مقاومت نمایند پس طراحان می توانند با بهره بردن از این ویژگی ها بناهای ماندگار و مناسب با موقعیت اقلیمی طراحی نمایند. این نوع معماری را می توان معماری بدون معمار نامید زیرا منبع الهام و ایده اولیه طراحی را می توان محصول تلاش جانوران و یا حتی در یک جمع بندی کلی مختص جانداران موجود در طبیعت به غیر از انسان دانست. ■

Turner, J. S., & Soar, R. C. (2008, May). Beyond biomimicry: What termites can tell us about realizing the living building. In First International Conference on Industrialized, Intelligent Construction at Loughborough University (pp. 1-18).

Turner, J. S. (2001). On the mound of *Macrotermes michaelseni* as an organ of respiratory gas exchange. *Physiological and Biochemical Zoology*, 74(6), 798-822.

منابع

خاطره؛ مولف‌های پنهان

نویسنده: سید فرید توکلی

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری داخلی دانشگاه سوره
sfaridtavakoli@gmail.com

Memories in space is always one of the most important topics in architecture, but what is the place of memory in architecture? Can spaces that are important through personal and group memories and experiences be considered architectural spaces? With these issues, a positive step will probably be taken towards the topic of «architecture without architect» and again in the continuation of the previous issue of the magazine, the role of narration in the architectural space will be challenged, but this time a very personal narrative on the smallest scale. Maybe like a memory.

خاطره مندی در فضا همواره یکی از مباحث پراهمیت در زمینه معماری می‌باشد؛ اما به‌راستی مؤلفه «خاطره» چه جایگاهی در معماری دارد؟ آیا فضاهایی که به‌واسطه خاطره‌ها و تجربه‌های شخصی و گروهی پراهمیت می‌شوند، می‌توانند فضاهای معمارانه ای شمرده شوند؟ با مطرح‌شدن این مباحث احتمالاً گامی مثبت به سمت مبحث «معماری بی معمار» برداشته خواهد شد؛ و بار دیگر در ادامه مقاله شماره پیشین نشریه، نقش روایت را در فضای معماری به چالش می‌کشد، اما این بار روایتی بسیار شخصی در جزئی‌ترین مقیاس ممکن مانند «خاطره».

رد خاطره بر محیط

بسیار زیاد این مکان یکی از مقاصدی است که گردشگران جوان با آن روبه‌رو می‌شوند و مورد بسیار خوبی برای خوانش فضا از طریق مؤلفه‌های گوناگون است. اگر قهوه‌خانه اسرافیل را با معیارهای همیشگی معماری بسنجیم این محیط فاقد ارزش است. هیچ اعتباری به هیچ‌یک از عناصر حاکم بر فضای آن نمی‌توان داد؛ اما واقعیت این‌طور نیست و این محیط فاقد ارزش نیست، مؤلفه‌ی پنهانی که باعث ارزش این قهوه‌خانه می‌شود همان «خاطره» است. انبوه خاطرات جمعی و شخصی و حضور افراد در این قهوه‌خانه با علم بر اینکه این مکان پاتوقی برای عکاسان و هنرمندان تبریز می‌باشد و البته کاراکتر ویژه صاحب قهوه‌خانه که در همان برخورد نخست با او خاطره‌ای شکل می‌گیرد، همگی باعث می‌شوند که قهوه‌خانه اسرافیل ظرف محیطی به وسعت خاطرات تمام میهمانان و مشتری‌های همیشگی خود داشته باشد. حال ممکن است دو سؤال مهم پیش بیاید، نخست: آیا اگر این محیط با همین ویژگی‌های معماری کاربری دیگری داشت، ارزشی که از آن صحبت می‌کنیم از بین می‌رفت؟ از دیدگاه من «بله» و دوم: اگر قهوه‌خانه اسرافیل با تمام مشتری‌ها و صاحب خود به‌جایی دیگر نقل‌مکان می‌کردند، ارزشی که از آن صحبت می‌کنیم نیز منتقل می‌شد؟ ممکن است! اما مهم‌تر از این پاسخ، سؤال آن است. انتقال ارزش در معماری به این شیوه‌ی ناملموس امکان‌پذیر هست یا خیر؟ لازم است کمی بیشتر در مورد این فضاها فکر کنیم!

محیط همواره ظرف تجربیات و خاطرات شخصی و جمعی افراد است که با تجمیع این خاطرات و تفکیک آن‌ها، معنا در محیط مانند موجودی زنده تغییر می‌کند. در حقیقت اگر خاطره (شخصی و جمعی) را مولف‌های برای شناخت محیط قرار دهیم، احتمالاً می‌توان خوانشی متفاوت از معماری هر محیط داشته باشیم. هدف این نوشتار، خوانش برخی فضاهای معماری و شهری با مؤلفه‌ی پنهان خاطره است. اجازه دهید بحث را با روایتی شخصی پیش ببریم: در ورودی اصلی دانشکده صنایع دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، حیاطی قرار دارد که تمامی ویژگی‌های تبدیل‌شدن به پاتوق و شکل‌گیری فضایی جمعی را در خود دارد. هندسه‌ای متناسب، نورگیری به میزان کافی و وسعت فضایی که اجازه‌ی تجمع دانشجویان و گذران اوقات را به آن‌ها می‌دهد؛ اما به‌واسطه‌ی وجود سنگ‌فرش‌هایی با برآمدگی زیاد و عدم امکان حرکت و ایستادن طولانی بر روی آن، هیچ‌گاه بیش از ۳ نفر را در آن حیاط مشاهده نکردم... تمامی حرکات و استقرارها تا درب ورودی دانشکده قطع می‌شد و به همین دلیل این فضا هیچ‌گاه میزبان خاطرات جمعی و شخصی دانشجویان نبود. به همین واسطه، اگر این فضا را توسط مؤلفه‌ی «خاطره» بخوانیم؛ ظرف محیط حیاط غربی دانشکده‌ی صنایع قزوین، هیچ‌گاه زاییده نشده است!

اما بیایید داستان را بالعکس نگاه کنیم، در بازار تبریز قهوه‌خانه‌ای قرار دارد به نام «شتریان یا اسرافیل». به احتمال

۱. خاطره [ط / ر / ا] (از ع، ا) اموری که بر شخص گذشته باشد و آثاری از آن در ذهن شخص مانده باشد. گذشته‌های آدمی. (لغت‌نامه دهخدا).



● ● حیاط غربی دانشکده‌ی صنایع قزوین - قزوین - منبع: www.qiau.ac.ir ● ●



● ● قهوه‌خانه اسرافیل - تبریز - ۱۳۹۶ - منبع نگارنده ● ●

حس مکان و خاطرات

این محیط‌ها را خوانش کنیم، درمیابیم که این فضاها نه به دلیل عناصر فیزیکی، بلکه به دلیل عناصر ناملموس و نشانه‌های حاضر در محیط هستند که ارزش و حس مکان را در شهر رقم می‌زنند. «حس مکان، وابستگی‌های مردم و پیوستگی آن‌ها با مکان‌هایشان و یا آنچه برخی آن را ساختار احساس نامیده‌اند، در برمی‌گیرند».

فضای آبری

کمی قبل‌تر راجع به انتقال ارزش در فضای معماری قهوه‌خانه اسرافیل صحبت کردیم. اکنون صحبت کردن در این مورد به دلیل ناشناخته بودن ماهیت این انتقال دشوار است؛ اما می‌خواهیم کمی در مورد ماهیت فضایی که به واسطه خاطره خلق می‌شود صحبت کنیم. من نام این فضاها را «فضای آبری» می‌گذارم. احتمالاً سیستم‌های آبری به گوش شما آشنا باشد. سیستم‌های آبری، ابزاری فناپذیر برای ذخیره‌سازی اطلاعات هستند که هیچ‌وقت از بین نمی‌روند. این سیستم برای بازیابی اطلاعات در همه جای کره‌ی زمین چند نسخه پشتیبان می‌گیرد و به این شکل شما می‌توانید اطلاعات خود را در هر زمان و هر مکانی در اختیار داشته باشید. سازوکار این سیستم بسیار شبیه به فضاهای مبتنی بر خاطره است. اگر قصد تعمیم داشته باشیم، هر فرد دارای خاطره از یک فضا را می‌توانیم به یکی از آن نسخه‌های پشتیبان تعمیم دهیم که هرچه تعداد آن‌ها بیشتر باشد، خاطرات آن فضای آبری فناپذیرتر است. همان‌طور که میدان آزادی دیگر وابسته به ارزش معماری برج آزادی نیست؛ بلکه به اعتبار تمامی خاطرات شخصی و جمعی حاصل از رخداد‌های سیاسی و اجتماعی تمامی جناح‌های سیاسی است که میدان آزادی نامیده می‌شود! حتی اگر برج آزادی دیگر نباشد، میدان آزادی ارزش خود را از دست نمی‌دهد، حداقل تا زمانی که نسل‌های خاطره‌اند با آن محیط حضور دارند. اجتماعی تمامی جناح‌های سیاسی است که میدان آزادی نامیده می‌شود! حتی اگر برج آزادی دیگر نباشد، میدان آزادی ارزش خود را از دست نمی‌دهد، حداقل تا زمانی که نسل‌های خاطره‌اند با آن محیط حضور دارند.

در فرهنگستان ادب فارسی «خاطره‌گردی» را «نوعی گردشگری که در آن گردشگر به مکان‌هایی که از آن‌ها خاطره دارد سفر می‌کند» معنی کرده‌اند. در حقیقت خاطره نه در زمان حال، بلکه معنایی برای زمان آینده است که قرار است در دنیای خیال تجسمی از گذشته داشته باشیم. پس اگر خاطره‌ای شکل نگیرد، خیالی هم در کار نیست. همان‌طور که گاستن باشلار در کتاب بوطیقای فضا می‌گوید: «اگر نتوانیم تخیل کنیم قادر به پیش‌بینی نیستیم». می‌ایم که قدرت پیش‌بینی که یکی دیگر از ارکان خوانش معماری می‌باشد، درگرو تخیل و خاطره بازی است. علاوه بر فضاهایی که خود میزبان خاطرات شخصی و جمعی بوده‌اند، محیط‌های دیگری وجود دارند که اجازه‌ی خاطره بازی و خیال در فضاهای دیگر را به شما می‌دهند. برای مثال: «درگذشته، اتاق شیروانی شاید خیلی کوچک به نظر می‌رسید، در زمستان سرد و در تابستان گرم بود اما اکنون رؤیایپردازی درباره اتاق زیرشیروانی از آن ماست. دشوار می‌توان گفت در اثر چه عاملی اتاق زیرشیروانی، جدا از کوچکی یا بزرگی، گرما یا سرما آرامش‌بخش است».

احتمالاً نام عاملی که به دنبال آن می‌گردیم «حس مکان» باشد. همواره تعریف ثابت و معینی از حس مکان وجود ندارد و تنها با توصیف آن می‌توان مرزهای معنایی آن را دقیق‌تر کرد. «در طی تاریخ، حس مکان، یک حقیقت زنده باقی‌مانده است؛ گرچه ممکن است چنین نامیده نشده باشد. بسیاری از هنرمندان و نویسندگان با الهاماتی از کاراکتر مکان، پدیده زندگی روزمره را به همان خوبی هنر، با اشاره به چشم‌اندازها و محیط شهری توصیف نموده‌اند».

اجازه دهید مثالی دیگر را مرور کنیم، اگر مسیرتان به گورستان‌های محلی خورده باشد، احتمالاً این مثال را به‌خوبی درک می‌کنید. عمده گورستان‌های محلی به دلیل توانایی خوانش مرزها و محدوده خدماتی آن‌ها و انبوه فعالیت‌ها، تجربه‌ها و خاطرات انسانی، فضاهای با هویتی محسوب می‌شوند. این محیط‌ها برخلاف مثال نخست از ویژگی‌های محیطی معماران برخوردار نیستند، اما اگر با مؤلفه خاطره

۱. Gaston Bachelard ریاضی‌دان، فیزیک‌دان، شاعر، فیلسوف و معرفت‌شناس قرن بیستم میلادی اهل فرانسه است.





معماری بی معمار

که در تجربه یک فضا، تمامی مؤلفه‌ها و عناصر ملموس معماری به حاشیه رانده شده و خاطره به عنوان مؤلفه‌ی اصلی و البته ناملموس در خوانش آن فضا نقش بازی می‌کند. البته که این نوشتار به دلیل کیفی بودن آن نمی‌تواند نتیجه‌گیری محکمی داشته باشد یا حداقل فعلاً این چنین نتیجه‌ای از عهده نگارنده بر نمی‌آید؛ اما این نوشتار بسیار مفتخر خواهد بود که نتیجه‌ای را هرچند کوتاه به عنوان جمع‌بندی از آن بپذیرید: ظرف فضا، هر محیط مصنوع زمانی زاییده می‌شود که نخستین ناظر در محیط حضور یابد؛ یعنی در لحظه تولد «منظر»؛ و تا آن زمان که وجود و خاطر ناظر عاری از آن منظر نباشد، آن محیط به حیات خود ادامه می‌دهد. در حقیقت شرط وجود فضا و محیط، وجود ناظر و یا حضور در خاطر وی است. ■

معماری بی معمار در نگاه نویسنده مفهومی سیال است که در ظروف گوناگون خود را آن‌چنان‌که باید به نمایش می‌گذارد. این مفهوم در این نوشتار به آن اعتباری گفته می‌شود که درگذر زمان و در فرایندی فرگشتی (تکاملی) ارزش‌ها و ویژگی‌هایی را از جنس خاطره و رخداد‌های شخصی و جمعی به دست آورده است. در حقیقت اگر با نگاهی آنتولوژی^۱ بخواهیم به این مفهوم نگاه کنیم، معماری بی معمار- را ابژه^۲ ای می‌ابیم که نخست برای موجودیت به سوژه^۳ نیازمند است و دوم، آن گرد زمان است که بستری برای موجودیت با ارزش ایجاد می‌کند و سوم آن گفت و شنفت و دیدارها هستند که آن ارزش و اعتبار نامرئی را در فضایی آبری ذخیره می‌کند. درواقع ارتباط «مؤلفه پنهان خاطره» با «معماری بی معمار» درست در آن نقطه‌ای حاصل می‌شود

منابع

دهخدا، علی‌اکبر، ۱۹۳۱، لغت‌نامه دهخدا
باشلار، گاستن، ۱۹۵۸، بوطیقای فضا، ترجمه مریم کمالی و محمد شیر بچه، انتشارات روشنگران
پرتوی، پروین، ۱۳۹۴، پدیدارشناسی مکان، انتشارات فرهنگستان هنر

۱. هستی‌شناسی

۲. یک اصطلاح در فلسفه نوین است که معمولاً در برابر سوژه به کار برده می‌شود. سوژه مشاهده‌کننده و ابژه آنچه مشاهده می‌گردد.

۳. یک اصطلاح در فلسفه نوین است که معمولاً در برابر ابژه به کار برده می‌شود. سوژه مشاهده‌کننده و ابژه آنچه مشاهده می‌گردد.

معماری نمادین جلوه ای از معماری بدون معمار

نویسنده: ابوالفضل کر بلائی حسینی غیاثوند

دکتری تخصصی معماری دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

Aqiyasvand@yahoo.com

Man needs symbolism in order to express religious and mythological themes and to overcome the gap between the conscious and subconscious parts of his mind. Most of the works of ancient architecture in different cultures have symbolic and mysterious aspects that, from the perspective of traditionalists, act as a bridge between man and the divine source. Ancient man sought to understand the semantic concepts of archeology in order to manifest them in the body of architecture in order to achieve the language of a timeless and placeless model. The result has been the creation of architectural works without architects, the most amazing of which is the Stonehenge.

انسان برای بیان مضامین دینی و اسطوره‌ای و فائق آمدن بر شکاف بین بخش خودآگاه و ناخودآگاه ذهن خود به نماد و نمادپردازی نیاز دارد. اغلب آثار معماری کهن در فرهنگ‌های مختلف، دارای جنبه‌های نمادین و پر رمز و رازی هستند که از منظر سنت‌گرایان به مثابه پلی ارتباطی میان انسان و منبعی الهی عمل می‌کنند. انسان کهن به دنبال یافتن مفاهیم معنایی کهن‌الگویی جهت تجلی آن‌ها در کالبد معماری برای دست یافتن به زبان الگویی بی‌زمان و بی‌مکان بوده است که نتیجه آن خلق آثار معماری بدون معمار بوده است که از شگفت‌انگیزترین آن‌ها مجموعه استون هنج را می‌توان نام برد.

معماری بی معمار

سنت و سنت‌گرایی مورد توجه قرار می‌گیرد، بنابراین ممکن است وقتی سخن از «هنر مقدس» و خاصه «معماری قدسی» به میان می‌آید، مراد همان نوع از هنر و معماری سنتی یا دینی - آیینی است و شاخصه‌های این نوع از معماری که از گذشته‌های دور در ذات انسان وجود داشته و در قرن بیستم سرو شکل علمی به خود گرفته به ذهن متبادر می‌شود. در مراجع باستانی به دلیل باورهای اعتقادی و فرازمینی و دینی افراد، برخی از سنت‌ها با قداست درهم آمیخته شده به گونه‌ای که روی گرداندن از آن‌ها به معنای مقابله با قداست‌ها و به صورتی تغییرناپذیر تلقی می‌شود که نمونه‌هایی از آن را نیز

بعضی از روزها و نمادها در دوره‌های گوناگون تاریخ یک سرزمین یا در کشورهای مختلف می‌توانستند معانی متفاوتی داشته باشند. هانس یاکوبس درباره مفاهیم برخی رموزها چنین نوشته است: «رمزها، مفاهیم قبلی و ماتقدم را بیان می‌دارند. آبستن معنی‌اند، اما معنایی که در سرتاسر جهان متغیر باشد، ندارند. نمایشی محسوس از تصویری عرضه می‌دارند که نمادها یا رشته تداعی معنایی فرد، بدان مربوط می‌شوند که اگر معنایی ثابت داشتند، فقط نشانه بودند، نه رمز؛ مانند کاربرد تثلیث در ادیان مختلف».

در نگاه عامیانه، سخن از «امر قدسی» در زمره مباحث





● www.irandestination.com منبع : مسجد جامع اصفهان ●

و مکان، تجلیات گوناگونی نظر ادیان، هنر و مانند آن یافته است؛ بنابراین می‌توان نزول این سنت را در آثار معماری در طول تاریخ مشاهده کرد. نمونه‌های معابد، مقبره‌ها، مساجد، دیرها و ... همه تجلی‌گاه سنت و امر قدسی در ابناء بشر هستند که می‌توان آن‌ها را در همه فرهنگ‌ها و در غالب بناهای معماری نمادین و پر رمز و راز مشاهده کرد؛ معماری که رابط بین انسان، اسطوره و منشأ الهی است.

معماری نمادین

نماد واسطه‌ای امور معنوی شمرده می‌شود و نمادپردازی زمانی شروع می‌شود که قدرت کلام از گفتن حقیقت عاجز شود. نمادها برای دسترسی آسان و سریع به حقایق معنوی به کار می‌روند. از نظر سنت‌گرایی، زیبایی‌شناسی راستین، چیزی جز علم صورت‌ها نیست و بنابراین هدفش باید امری عینی و واقعی باشد. همه هنر سنتی، به وسیع‌ترین معنایش، مبتنی بر تناظر و تشابه صورت‌ها و تعلقات است. معماری، نقاشی و مجسمه‌سازی هنرهای عینی و پایا هستند. این هنرها عمدتاً بیانگر صورت‌هایند و جهان‌شمولی‌شان در رمز پردازی عینی این صورت‌ها نهفته است.

در هر رمزی دارای دو وجه است: یکی‌شان الهی را به‌خوبی منعکس می‌کند و بنابراین جهت کافی برای رمز پردازی است و دیگری صرفاً انعکاس بوده و بنابراین ممکن و مشروط است. در مورد هر رمز پردازی همین مطلب است: به‌طور مثال، از سویی خورشید نشان‌دهنده یک محتواس است که همان درخشندگی، گرمادهی، موقعیت مرکزی و سکون آن نسبت به سیاراتی است که گرداگردش حرکت می‌کنند و از سوی دیگر، خورشید به نحوی تجلی دارد که ماده، چگال و محدودیت فضایی آن است. روشن است که اوصاف خورشید است که چیزی از خدا را نشان می‌دهد و نه محدودیت‌هایش. همین تفسیر را در آثار معماری کهن نیز می‌توان بازشناخت. آثار معماری که علاوه بر وجه عینی خود دارای نمادهای معنوی با منشأ الهی هستند که بسیاری از آن‌ها هنوز برای انسان ناشناخته است. آثاری که به دنبال مفاهیم معنایی کهن‌الگویی برای دست‌یابی به زبان الگویی بی‌زمان و مکان هستند.

می‌توان در جوامع دینی مشاهده کرد. حال‌آنکه در متون دینی، سنت به معنای همان راه و روشی است که مردم صرف‌نظر از خوبی یا بدی از آن پیروی می‌کنند.

سنت‌گرایی و سنت افسانه‌ای (اسطوره‌ای)

اسطوره و قصه‌های عامیانه، مانند رؤیاهای، از اعماق روان و ناخودآگاه جمعی برمی‌خیزند و مضامین شخصی و مشترک را به‌صورت عینی و نمادین باز می‌گویند. انسان در روزگار کهن عالم را آکنده از پیام‌های شوم می‌یافت و نیاز داشت اسطوره‌هایی ابداع کند تا راز آن پیام‌ها را بگشاید. خاستگاه سنت افسانه‌ای ذهن ناکام انسان است. اسطوره‌ها امور به‌ظاهر مقدسی هستند که ساخته‌ی ذهن بشرند. اسطوره‌ها درواقع آرزوهای دو دست انسان هستند که چون به آن‌ها دست نیافته‌اند، جاودانه و مقدس داشته شده‌اند. این سنت‌ها، انجماد خواسته‌های برآورده شده نسل‌های متوالی انسان هستند. گاه نیز اسطوره‌ها تفسیر انسان بدوی هستند؛ از پدیده‌های طبیعی که به‌سادگی برایش قابل‌فهم نیست. سنت‌های اسطوره‌ای از آن‌جهت که فراتر از توان و دسترسی انسان هستند، «فرازمینی» و از آن روی که ساخته ذهن بشر هستند، «زمینی» می‌باشند و انسان همواره برای ارتباط با این سنت‌های اسطوره‌ای از «کالبد معماری» بهره جسته است.

از منظر سنت‌گرایان، سنت گستره‌ای فراتر از دین و فرهنگ و تمدن دارد. به‌بیان دیگر، دین‌ها و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، پاره‌ای از سنت بزرگ و جاویدان سنت‌گرایان هستند. «سنت به معنای متداول کلمه نه‌تنها به معنای دین است، بلکه دین در دل آن‌ها جای دارد». مباحث سنت‌گرایی هم شامل دین می‌شود و مهم‌ترین ادیان دنیا مثل اسلام، مسیحیت و بودا را هم در برمی‌گیرد و هم سنت‌های افلاطونی و هرمسی است. آن‌ها به حقایق قائل‌اند که منشأ غیر بشری دارد که لازمان بوده و ادوار مختلف تاریخ ظهور گوناگونی داشته‌اند.

ازنظر سنت‌گرایی، سنت حقایق یا اصولی است که «در معنای وسیع از مبدأ الهی جاری‌شده و خارج از مبحث زمان



به بررسی این محوطه و پژواک‌های ناشی از اصوات پرداخته‌اند. صداهای آئینی، صداهایی هستند که تلاش می‌کنند تا مردم باستان باور کنند که ارواح مردگان در این محل حاضر هستند. محققان در این زمینه بر این باورند که صداهای تکرارشونده، می‌تواند فرکانس موج مغزی را کاهش دهد و دقیقاً در همین حالت است که ممکن است حسی از حضور به وجود آید و در همین راستا می‌توان آن را به آگاهی از حضور ارواح در این محل در دوره باستان مرتبط دانست. از طرفی برخی معتقدند با وزش باد، صداهای عجیبی در این مجموعه شنیده می‌شود. از این رو، تیم پژوهش، به کمک فناوری واقعیت مجازی، گذشته استون هنج را بازسازی کرد و سپس به کمک عینک مخصوص شروع به قدم زدن در محوطه کرد. نتیجه مطالعات میدانی نشان داد که با راه رفتن در این مجموعه، از هر بخش آن، می‌توان یک صدای متفاوت شنید. روبرت تیل، سرپرست و رهبر تیم تحقیقاتی، معتقد است صدای استون هنج، بخشی از شگفتی آن است. وی بر این عقیده است که مردم باستان به صداها علاقه‌مند بودند. که این خود ناشی از وجود غارهاست. غارهایی که به همراه قندیل‌های موجود در آن، به‌مانند آلت‌های موسیقی عمل می‌کنند.

مردم در آن دوره‌ی باستانی، در دوره‌ای با فرهنگ کلامی زندگی می‌کردند. دورانی با فرهنگی غیر نوشتاری که ارتباطات از طریق دهان و گوش صورت می‌گرفت. در نتیجه در این دوره، در این مکان آئینی، صدا به‌اندازه چیزهایی که دیده می‌شد اهمیت داشت. کارشناس تحلیل داده‌های صوتی تیم، می‌گوید در راستای موارد ذکر شده، جالب‌ترین نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد، خود سنگ‌های استون هنج هستند. سنگ‌هایی که از یک سمت زمخت بوده اما از طرف دیگر انحنای دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که احتمالاً فقط برای ایجاد صوت‌هایی خاص، بدین صورت درآمده‌اند؛ دقیقاً به‌مانند آمفی‌تئاترهای رومی ساخته‌شده در قرن اول پیش از میلاد که جهت بازتاب و متمرکز کردن صدا از دیوارهایی دارای انحنای استفاده می‌شد.

رمز و راز نهفته در معماری‌های کهن مانند مجموعه استون هنج، کماکان برای انسان دوره معاصر مبهم است. ماهیت معنوی این‌گونه معماری و ارتباط آن با عالم و روحانی و ارتباط آن کالبد معماری، می‌تواند از موضوعات همیشه جذاب و مهم برای معماران باشد.

استون هنج معماری نمادین و پر رمز و راز استون هنج، بنایی پیش از تاریخ با قدمت حدوداً سه هزار سال پیش از میلاد و متعلق به عصر برنز و دوران نوسنگی است. بنایی با ۱۲۰ قطعه سنگ یکپارچه به ارتفاع ۵ متر که به‌صورت دایره‌ای با قطر ۱۰۰ متر، در دشت سالیسبری انگلستان گرد هم جمع شده‌اند. بنایی که به عقیده کارشناسان در چند مرحله و در یک دوره هزارساله ساخته‌شده است.

رمز و رموز و افسانه‌های زیادی در رابطه با استون هنج موجود می‌باشد؛ چنانچه حتی نه‌تنها چگونگی ساخت بنا، حتی کاربری اصلی آن نیز هنوز به‌طور قطع مشخص نشده است. در رابطه با نحوه ساخت آن فرضیه‌های مختلفی موجود می‌باشد اما هرچه باشد، وزن سنگین سنگ‌ها حاکی از طولانی بودن زمان ساخت آن و وجود نیروهای عظیم انسانی است.

در رابطه با کاربری و نوع عملکرد آن نیز فرضیه‌های مختلفی وجود دارد. برای مثال، برخی معتقدند که این بنا، معبدی برای ستایش است. برخی نیز می‌گویند از این محل برای ستاره‌شناسی استفاده‌شده است و برخی نیز آنجا را رصدخانه معرفی کرده‌اند. که با توجه به انقلاب‌های تابستانی و زمستانی می‌توان آن را نیز به‌عنوان یک گزینه با احتمال بالا معرفی کرد. در این راستا، برخی نیز گمانه‌هایی از منظر پیشگویی‌ها بر اساس دانسته‌های ریاضی زده‌اند، یعنی محلی برای پیش‌بینی آینده. معبد خورشید، زیارتگاه سلیتی از دیگر نظریات مطرح‌شده در این حیطه است. برخی آن را بیمارستان نوسنگی و برخی نیز آنجا را پایگاهی جهت فرود بیگانگان نامیده‌اند.

از طرفی دیگر، عکس‌برداری‌های زیرزمینی و حفاری‌های صورت گرفته توسط گروه باستان شناسان و برخی محققان در سال ۲۰۰۹ و کشف بلو استون هنج، نشان می‌دهد که احتمالاً این بنا جزئی از یک مجموعه پیچیده آئینی، شامل تپه‌های ماقبل تاریخ و سکونتگاه‌های ناشناخته می‌باشد که به‌طور کل مکانی جهت برگزاری مراسم آئینی بوده چراکه در حفاری‌های صورت گرفته، قبرهایی باوجود برخی فلزات و طلا پیدا شده است. طبق نتایج حاصل از پژوهش‌های اخیر و پیدا شدن بقایای سوخته ۲۰۰ انسان در این محوطه، اینجا یک قربانگاه است. قربانگاهی با ماهیت برگزاری مراسم آئینی دفن مردگان، مکانی برای ارتباط با ارواح.

در این راستا، تیمی تحقیقاتی، با کمک ابزارهای باستانی همچون طبل و همچنین تکنیک‌های سنجش صوت پیشرفته

منابع

- سلطان‌زاده، حسین، (1394)، برخی علل اهمیت یافتن صورت‌های هندسی و بازتاب آن‌ها در معماری و شهرسازی تاریخی. نامه معماری و شهرسازی، شماره 14.
- حجت، عیسی، (1394)، سنت سنت گرایان و سنت گرایي معماری. نشریه هنرهای زیبا، 20 (1): 5-16.
- دهقان، نرگس؛ معماریان، غلامحسین؛ محمد مرادی، اصغر و عبدی اردکانی، حجت اله، (1390)، نشریه مطالعات تطبیقی هنر، 1 (2): 87-100.



معماری بدون معمار با بررسی معماری روستای شیلاندر

نویسنده: فرشید رحیمی کلهرودی
دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی
Farshid_rk@yahoo.com

I met architecture without an architect on a trip to the villages of Iran. Villages that are the living quarters of the people who have created their architecture in connection with nature. Architecture or the science of construction (vernacular materials) often refers to the environment, tribe, and biological culture of the people of that settlement and has been acquired and practiced through biological experience. In this statement, with a comprehensive understanding of the architecture, structure and technique of construction, we will focus on one of the rural heritages works of our country, the village of Shilandar.

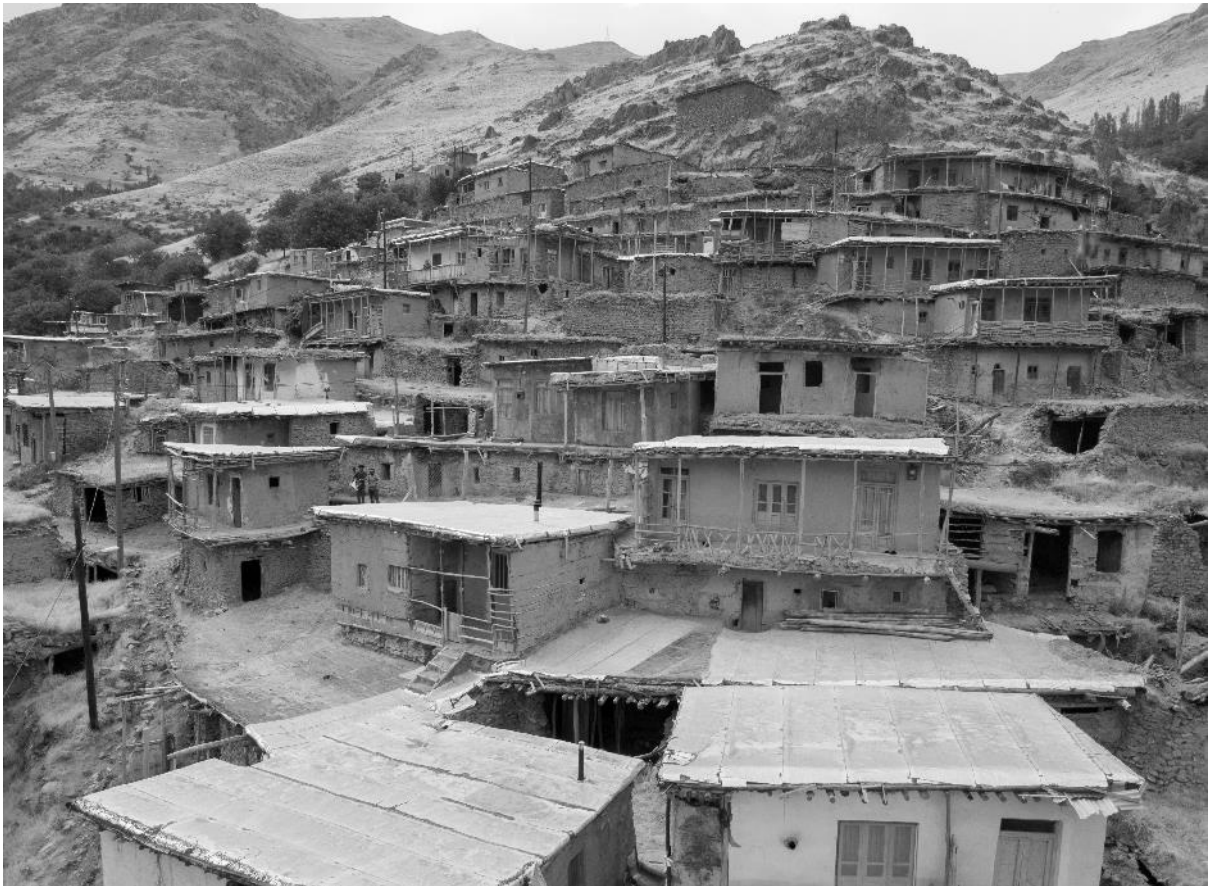
معماری بدون معمار را در سفر به روستاهای ایران شناختم. روستاهایی که عرصه‌های سکونت مردمی است که با رابطه بین طبیعت، معماری خود را پدید آورده‌اند. معماری و یا علم ساختمان (مصالح بومی) اغلب بر بوم، طایفه و فرهنگ زیستی مردم آن سکونتگاه دلالت داشته و با تجربه زیستی، کسب و اجرا شده است. در این گزاره با شناخت همه‌جانبه از منظر معماری، سازه و تکنیک ساخت، به یکی از آثار میراث روستایی کشورمان، روستای شیلاندر می‌پردازیم.

با دانش و تجربه زیستی، به فضاهای سکونت خود شکل داده‌اند. معماری بومی روش طراحی عمومیت‌یافته‌ای است که از معماری مردمی زاییده شده است و می‌توان آن را شکل پیشرفته معماری طبیعی یک‌خطه معین به حساب آورد که در ارتباط با فرهنگ، آب‌وهوا و مصالح ساختمانی بیان می‌گردد. روستای کوهستانی شیلاندر از دهات بخش شمالی واقع در ۵۵ کیلومتری شمال شهر زنجان است. این روستا در فاصله ۵۵ کیلومتری شمال غربی استان زنجان (۱۵ کیلومتری روستای تهم) واقع شده است. از جاذبه‌های گردشگری و دیدنی این روستا می‌توان به ساختار خانه‌های پلکانی بافت

این مطالعه که با مطالعه میدانی جمع‌آوری گشته است، سعی دارد تا با پرداخت همه‌جانبه به روستای شیلاندر از منظر معماری، سازه و جزئیات عنوان «معماری بدون معمار» و یا «معماری بومی» را به صورت معنایی روشن سازد. پیش از شروع اما لازم است تا با تعریف بوم آشنا شویم. بوم در فرهنگ فارسی معین چنین آمده است: سرزمین، ناحیه، زمین، شیار نکرده جا، مقام، سرشت، طبیعت و ... (فرهنگ معین) حال از آنجاکه معماری با آدمی رابطه مستقیم داشته و بر فرهنگ زیستی آن‌ها دلالت دارد، معماری بومی یا بوم آورد و یا به تعبیری اینجایی پدید آمده است و بسیاری از بومیان

بافت پلکانی روستای و ترکیب با باغات شیلاندر؛ منبع: انوشه میرزادیان.





● • بافت پلکانی روستای شیلاندر؛ منبع: انوشه پیربادیان. ● •

ناهمواری‌ها، بستر سنگی، شیب تند اراضی و شرایط خاص اقلیمی، کاملاً فشرده و متراکم بوده و جز در محدوده شمالی، در دیگر اراضی روستا، امکان توسعه وجود ندارد. نکته جالب‌توجه درباره بافت این روستا، تقسیم شدن این عرصه به دو تکه است و دلیل آن را می‌توان امتداد رود و باغات شناسایی کرد. جهت‌گیری هر زون بر اساس شیب بستر خود شمالی-جنوبی بوده و عمده ابنیه در زون شرقی، با چرخشی به سمت غرب و عمده‌تاً جهت‌گیری شمال‌شرقی-جنوب غربی دارد. نظام سیرکولاسیون و حرکت در بافت در دو رده دسترسی‌های عمودی (به صورت پلکانی) و دسترسی‌های افقی (در امتداد توپوگرافی دامنه کوه) قابل بررسی است. دامنه پرشیب کوه و استقرار واحدها بر فراز یکدیگر سبب شده است تا دسترسی‌های عمودی به صورت معابر پلکانی و در راستای شیب زمین شکل گیرند. این در حالی است که معابر افقی که همچون شریان‌های بافت در امتداد خطوط توپوگرافی شکل گرفته‌اند، ارتباطات درونی بافت را تکمیل کند. این ساختار سبب شده است تا بتوان دو الگوی اصلی ورود به خانه‌ها را شناسایی کرد. دسته نخست؛ ورودی‌هایی است که به شریان‌های عمودی ارتباط دارند و دسته دوم؛ ورودی‌هایی که به مسیرهای افقی بافت راه می‌یابند.

روستا و جاذبه‌های طبیعی این روستا اشاره نمود. وجود کوه‌های مرتفع، دره‌های نسبتاً عمیق و طبیعت دست‌نخورده و بکر به جذابیت این روستای زیبا افزوده است.

روستای پلکانی شیلاندر (چیلاندر) را نیز مانند بسیاری از روستاهای کشور می‌توان به جد، یکی از دانش‌های بشر در ساخت خانه و سکونتگاه دانست. اگرچه محل فعلی روستا به گفته اهالی قدمتی ۱۰۰ ساله دارد اما برداشت‌های صورت گرفته از روستا و شناخت الگوهای معماری، قدمت این روستا را بیش از ۱۰۰ سال نشان می‌دهد. روستای شیلاندر در دامنه پرشیب کوه قرار گرفته و از همین رو، ساختاری پلکانی و بافتی فشرده و متراکم دارد. استقرار پلکانی خانه‌ها بر فراز یکدیگر سبب شده تا واحدهای سکونتگاهی فاقد حیاط (در تعریف عمومی آن) باشد. از همین رو، بام واحدهای زیرین، حیاط خانه‌های فوقانی است. گمان می‌رود هسته اولیه روستا در اطراف رودخانه شکل گرفته و در امتداد توپوگرافی دامنه کوه که خود متأثر از مسیر حرکت رودخانه است، توسعه یافته است. روستا در امتداد محور شرقی-غربی کشیده شده و رودخانه در بخش جنوبی آن واقع شده است.

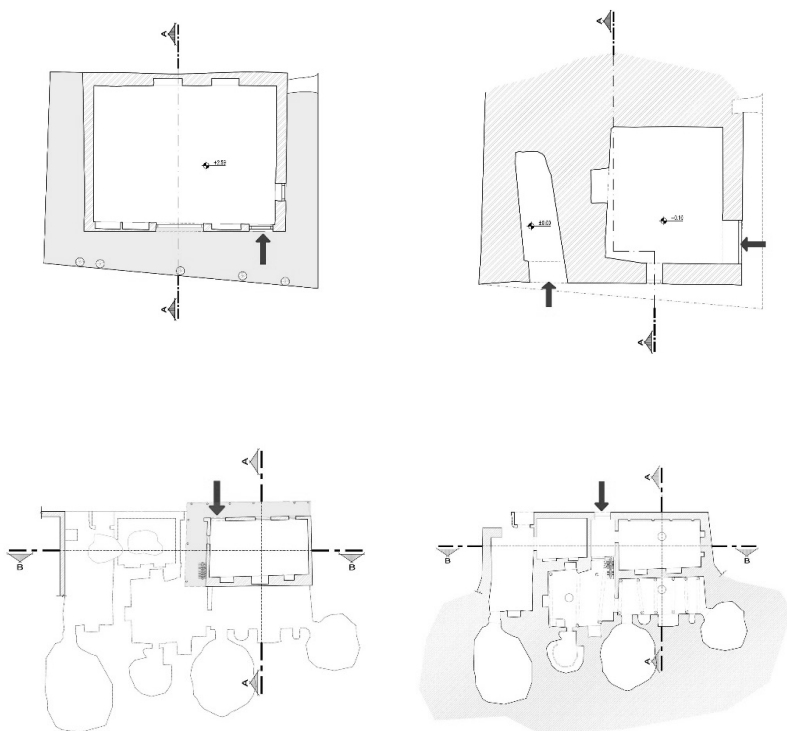
جهت شیب روستا از شمال به جنوب بوده و بافت روستا به واسطه احاطه باغات و سایر عوامل کالبدی نظیر

ساختار عمومی ابنیه مسکونی روستا

روستای شیلاندر در پهنه کوهستانی قرار گرفته است. از عمده ویژگی این پهنه استقرار واحدها مسکونی به شکل متراکم است و همچنین سازماندهی بافت روستا به شکل پلکانی است. بناها عمدتاً دو یا سه طبقه هست و پلانی مستطیل شکل دارند. عناصر باربر افقی در طبقه همکف خانه‌ها، عمدتاً سنگ و عناصر باربر افقی در طبقه اول عمدتاً ستون‌های چوبی است و عناصر باربر عمودی را تیرپوش‌های چوبی شکل داده است. طبق برداشت‌های میدانی و رلوه نقشه‌های بناهای بارزتر روستا، ساختار معماری و روابط فضایی در خانه‌های روستای شیلاندر عمدتاً پیرو یک سبک قابل حدس هستند؛ حال لازم است به جهت نبین موضوع به تفکیک فضاها و ریز فضا در خانه‌های روستایی بپردازیم:

- دستگاه ورودی: ورودی بناها به دلیل ساختار پلکانی خانه‌های روستا در دو طبقه قابل حدس است؛ یکی در طبقه همکف و دیگری در طبقه اول که یا از طریق ایوان و یا از طریق پلکان‌های طبقه همکف به طبقه فوقانی دسترسی دارند؛ لازم به ذکر است در وضع موجود این بنا هیچ راه ارتباطی بین فضاهای این دو ورودی وجود ندارد.

- حیاط: ساختار پلکانی روستاها عموماً امکان وجود حیاط را از بناهای روستا سلب می‌کند؛ بنابراین بناهای این روستا به دلیل ساختار پلکانی‌ای فاقد حیاط است. با این حال سقف هر طبقه گشودگی فضایی‌ای را برای طبقات بالایی فراهم می‌کند که شاید بتوان بخشی از کارکرد حیاط را در آن‌ها یافت.



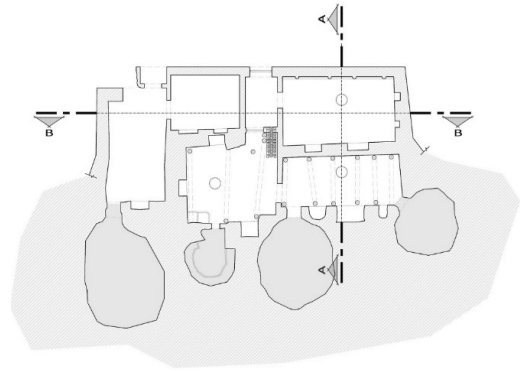
● موقعیت ورودی در خانه‌های روستای شیلاندر. منبع: عمارت خورشید، ۱۳۹۷ ●

● منظر روستای شیلاندر؛ انوشه پیربادیان ●



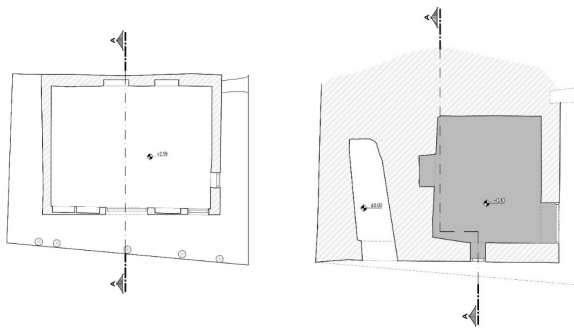


دستکند: از ویژگی‌های دستکند که گونه‌ای خاص از معماری محسوب می‌شود آن است که به هیچ مصالحی برای تولید فضا نیازی ندارد و برخلاف اصول معماری متعارف مسائل ایستایی در این نوع معماری چالشی ندارد. این نوع معماری را می‌توان به‌نوعی تولید فضا از طرق ایجاد فضاهای منفی در بستر کوه و سنگ دانست که از ترکیب فضاهای پر و خالی متولد می‌شود. حال با توضیحات ارائه‌شده و با علم بر اینکه روستای شیلاندر در بستی کوهستانی و سنگی قرار گرفته است. می‌توان منطق استفاده از این نوع خاص معماری را در این روستا توجیح کرد. در برداشت‌های صورت گرفته و در ساختار معماری بخش‌هایی از خانه‌ها که عمدتاً در جبهه شمالی روستا واقع شده‌اند، دستکندهایی مشاهده شده است. این دستکندها که ساختاری سنگی دارند، عمدتاً با کاربری آغل معرفی می‌شوند.

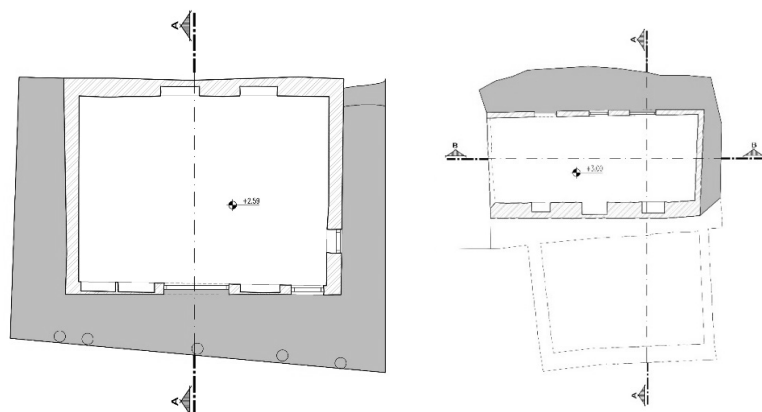


- موقعیت دستکندهای بر روی پلان. منبع: عمارت خورشید ● ● ● ● ● دستکند تاریخی در یکی از خانه‌های روستای شیلاندر. منبع: نگارنده

مطبخ: مطبخ یا تنورخانه نیز از فضاهای خدماتی فضاهای سکونتگاهی روستا محسوب می‌شود و عمدتاً در طبقات همکف قرار دارد.



- مطبخ موجود در خانه شماره یک در روستای شیلاندر؛ منبع: نگارنده. ● ● ● ● ● موقعیت مطبخ در خانه‌های روستای شیلاندر؛ منبع: عمارت خورشید، ۱۳۹۷



- ایوان: از ویژگی‌های معماری واحدهای مسکونی در روستای شیلاندر وجود ایوان است که اتاق‌ها از دو یا سه طرف آن را احاطه می‌کند. به عبارت دیگر، ترکیب اتاق‌ها به نحوی است که ایجاد ایوان در جلوی فضاها را امکان‌پذیر می‌کند و همین امر ارتباط بصری فضاها را مجاور ایوان با محیط اطراف را برقرار می‌کند و ادراک ساکنین را از طبیعت و منظر روستا را افزایش می‌دهد.

● موقعیت ایوان در یکی از خانه‌های شیلاندر بر روی پلان؛ منبع: عمارت خورشید ●

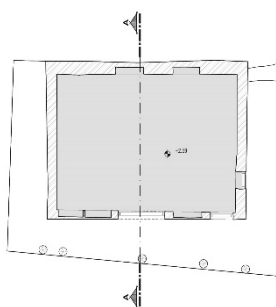
و محل نگهداری احشام اختصاص یافته‌اند. ساختار پلان در طبقه اول اغلب بناها؛ فضاها را راست‌گوشه‌ای هستند که به اتاق‌های سکونتی اختصاص پیدا کردند. عمدتاً یک یا دو اتاق هستند که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و ورودی مستقل دارند. ایوان و بالکن سراسری، به دو صورت در خانه‌های روستا بررسی می‌شوند؛

- گونه اول؛ بالکن‌های بیرون زده که عمدتاً سرتاسری بوده و به دور بنا چرخیده است.

- گونه دوم؛ بالکن‌هایی که سقف طبقه همکف را شامل می‌شود و بسته به استقرار پلان، در یک/ دو یا سه طرف بنا چرخیده است.

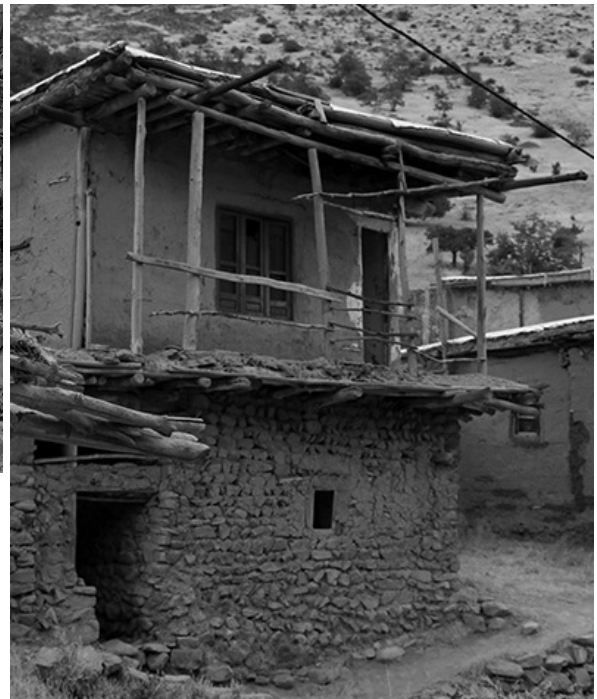
- سیستم سازه‌ای بنا؛ مبتنی بر دیوارهای باربر و سقف‌های تیرپوش است که با جزئیات اجرایی قابل توجهی احداث شده است. مصالح عمده در احداث این دیوارها سنگ و چوب است و تیرها عمدتاً به صورت گرده چوب مورد استفاده قرار گرفته‌اند. Effre ernessus teris interei.

اتاق‌های سکونتی: فضاها سکونتی عمدتاً در طبقه همکف قرار گرفته‌اند که همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، دسترسی به این فضاها اقامتی یا از پلکان طبقه همکف و یا از ایوان‌ها ممکن است. همچنین فضاها خدماتی در این روستا به یک، دو و یا سه اتاق مستقل محدود می‌شود. خانه‌های روستای شیلاندر به دلیل استقرار در شیب تند، فاقد حیاط مرکزی است. بررسی ساختار ورودی در خانه‌های روستا از وجود دو الگوی رایج حکایت دارد. در گونه نخست، خانه‌ها صرفاً دارای یک ورودی بوده و تقسیم فضایی از فضای طبقه همکف صورت می‌گیرد. در گونه دوم، فضاها خدماتی و از آن جمله طویله‌ها و انباری‌ها، ورودی مستقل دارند و فضای طبقه اول، دسترسی جداگانه از گذر روستا امکان‌پذیر است. ساختار پلان در طبقه همکف اغلب بناها؛ شامل یک یا چند فضای راست‌گوشه با سقف تیرپوش است که آسمانه تخت آن بر روی ستون‌های چوبی قطور گذاشته شده است. این فضاها، عمدتاً به مطبخ، تنورخانه و انبارها اختصاص داشته‌اند اما امروزه اغلب آن‌ها به طویله



● موقعیت فضای سکونتی در یکی از خانه‌های شیلاندر بر روی پلان؛ منبع: عمارت خورشید، ۱۳۹۷ ●

● فضای سکونتی در یکی از خانه‌های روستای شیلاندر. منبع: عمارت خورشید، ۱۳۹۷ ●



● سمت راست: سقف‌های تیرپوش خانه‌های شیلاندر،

منبع: انوشه پیر بادیان - سمت چپ: دیوارهای سنگی اشکوب همکف و دیوارهای سبک چوبی در اشکوب دوم. منبع: نگارنده.

ارزش تکنیک ساخت و ساختار سازه، ارزش‌های هنری و زیبایی‌شناختی، ارزش مؤلفه‌های اقلیمی و فرهنگی اجتماعی بهره برده‌اند. این مجموعه‌ها شاید بزرگ‌ترین معماری بدون معمار شناخته شوند که علاوه بر تمامی موارد فوق‌الذکر بر فرهنگ زیستی مردم آن عرصه دلالت داشته است. ■

روستای پلکانی شیلاندر (چیلاندر) را نیز مانند بسیاری از روستاهای کشور می‌توان به جد یکی از دانش‌های بشر در ساخت خانه و سکونتگاه دانست. همان‌طور که به تفصیل اشاره شد؛ بسیاری از روستاهای کشورمان، عرصه سکونت مردمی است که با تجربه زیستی خود در سال‌های سال شکل گرفته که عمدتاً از ارزش‌های معماری و ساختار فضایی،



● جزئیات اجرایی دیوارهای سبک در خانه‌های شیلاندر. منبع: نگارنده. ●

- مهندسان مشاور عمارت خورشید؛ تهیه دستورالعمل و استانداردهای طراحی و مرمت اقامتگاه‌های بوم گردی روستایی کشور؛ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران؛ 1398
- ذوالفقارزاده، حسن؛ حصاری، پدram. نظریه بوم‌شناسانه به معماری زیستگاه؛ مسکن و محیط روستا، شماره 145، 1393.

منابع

گذری بر نمونه های بدون معمار در سراسر جهان

نویسنده: محمد تقی راسفijانی
دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
mohammad_rasfijani@yahoo.com

To construct in definition means to be effective and to become history, neither demarcated nor confiscated. Architecture originates from inside and becomes science. This is the principle that lasted for hundreds of years and continues to go through the process of introducing something of geometric-spatial knowledge to humanity. So that man can have a different understanding of the surrounding space. Examples of architects without architectures scattered around the world are moving their non-native scale beyond networks. And it is the knowledge of indigenous peoples who, in the struggle for survival, have tamed the forms according to their needs and the context of their lives, and these examples speak of evolution, and the ancestors are forms that have now emerged from the postmodern and academic form of architecture.

ساختن به معنای اثرگذاری و تبدیل شدن به تاریخ نه قابل مرزبندی و نه قابل مصادره است. معماری از درون جوشش و به علم بدل شد. این اصلی است که صدها به طول انجامید و کماکان این پروسه را طی می کند تا چیزی از دانش هندسی-فضایی را به آدمیت بشناساند. تا انسان بتواند درک متفاوت تر نسبت به فضای پیرامون داشته باشد. نمونه معماری های بدون معمار پراکنده در سطح جهان مقیاس غیربومی خود را به شبکه ای فراتر منتقل می کنند و آن دانش مردمان بومی است که در کلنجار برای بقا، فرم ها را مطابق با نیاز خود و بستری زندگیشان رام کرده اند و این نمونه ها حرف از تکامل می زنند و نیاکان فرم هایی هستند که حالا از دوران پسا مدرن و شکل آکادمیک معماری سر برآورده اند.

آمفی تئاترهای مویو یورای در پرو (The Amphitheatre of Muyu-uray)

می داده است مطلع نیستیم اما از روی شواهد می توان حدس زد که این مکان محل مسابقات ورزشی نظیر بوکس، پرش و شکار کردن حیوانات در مسابقه بوده است. باستان شناسان پرویی معتقد هستند که چشم انداز بی نظیر این منطقه به دلیل قرارگیری در ارتفاع ۳۷۰۰ متری از سطح دریا یک عامل الهام بخش در عملک

رد به شمار می رفته است. خوشبختانه این سایت تا به حال از طریق توریست ها مورد هجوم و آسیب خاصی نشده است.



معماری ناشناس از بنایی باستانی با تاریخی نا معلوم ، بدون داشتن معمار و تخصص، واقع شده در قاره آمریکای جنوبی، زینت بخش این منطقه است. در پرو، در نیمه راه مابین شهرهای بین کوزکو و ماچو پیچو، یک مرکز تئاتر باستانی قرار دارد که در هیچ جای دیگری مانند آن یافت نمی شود. مکانی توسط قبیله اینکا از طایفه ماراس، شامل ۵ تئاتر است که چهار مورد از آن ها مدور و دیگری به شکل نعل اسب است. همان طور که انتظار می رود، آکوستیک هر پنج تئاتر فوق العاده است.

اگرچه عناصر معماری تا حدی فرسایش یافته اند و اکثراً به مرتع بدل گشته اند، اما ساختار فرم معماری آنان کماکان سالم و دست نخورده باقی مانده است. به نظر می رسد بزرگ ترین تئاتر حدود ۶۰۰۰ نفر ظرفیت داشته است. ساختار تشکیل دهنده این تئاترها تراس های طبقه ای است به تعداد ۱۲ عدد که هر کدام ۱۸۰ سانتیمتر ارتفاع و ۷ متر عرض دارند. نکته تعجب برانگیز فرم آن هاست که کماکان وجود دارند. باید اشاره داشت که پایین ترین سکوی تئاترها که فرمی دایره ای دارد، در چهار تئاتر کاملاً مطابق ارکستر یونان می باشد که از قطر ۲۴ تا ۴۱ متر متغییر است. شگفتی دیگر در جایی است که در این مکان لوله هایی آبی وجود دارد که به وسیله آن آب و مواد غذایی را از قله به پایین حمل می کردند.

اگرچه ما دقیقاً از نوع عملکردی که در این مکان رخ

https://www.flickr.com • منبع: آمفی تئاترهای یورای در پرو •

روستای آپانومریا در ولانکو

Apanomeria in Volcano



به شکل سطح‌هایی با تراز ارتفاعی مختلف بروز می‌دهد. این امر اهمیت زمین برای پرداختن به رویاهای معماری را پررنگ‌تر می‌کند. اگر این شاخص‌ها مانند تخیل در درونمان غیر فعال باشد بعید است که قضات خوبی از معماری این مکانی خارق‌العاده داشته باشیم که در اینجا نشان داده شده است. حتی عکس‌ها از نمایش زیبایی آن عاجز هستند و گاه‌ها و در برخی موارد از لذت‌های پنهان آن می‌گویند. جذابیت هزارتوها و اتاق‌های مخفی، عبور از تیرگی‌ها و گذشتن از پل‌ها- همه اسراری ابدی فضای محصور شده هستند - در اینجا حضور دارند. بدون تلکف و دارای بیانی معماری و حتی بدون نیاز به ترجمان آن‌که کاملاً واضح است. نه خانه و نه شهر بلکه تلفیقی از هر دو در اینجا حضور دارد، این معماری توسط افرادی ساخته شده است مطابق با نور درون خود در همراهی با تخیلی غیرمستقیم. بدون حضور معماری متخصص و کاملاً برآمده از درون. معماری بدون معماری که منسجم، باوقار و پایمند به زمینه‌اش است. این معماری قلعه‌های کویری در جنوب مراکش است. ■

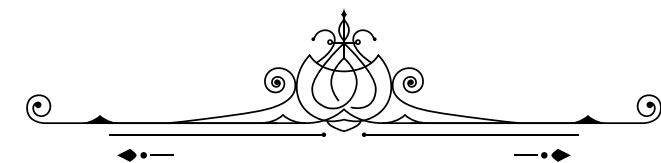
یک اصل ناشناخته‌ای وجود دارد که طبیعت ناهموار و خشن که موجب انگیزه بخشی و جوشش هنر در انسان می‌شود. این شهر خاص که ساکنانش به زندگی در هم‌جواری آتش‌فشان خو گرفته‌اند، موردی بس مهم و ویژه‌ای است. آپانومریا در آستانه دهانه ساخته شده است، بقایای یک آتش‌فشان که در دوران ماقبل تاریخ منفجر شده و حالا اینجاست و حضور دارد اما خفته. خانه‌ها سفیدی کورکننده‌ای در برابر تاریکی پس‌زمینه‌شان به نمایش می‌گذارند، نمادی از طرحواره‌ای مجسمه‌گون که گسترش یافته است و همچون مرواریدی بر تپه‌ها می‌درخشد.

در دهه ۱۹۲۰ هنگامی که عکسی از این محل گرفته شد، معماری مدرن و ظاهر تجاری که می‌شناسیم خیلی قبل‌ترها جای خود را در محافل جهانی پیدا کرده بود. اما نکته‌ای که مورد اهمیت است فرم این خانه‌هاست بی‌آنکه تقلید و شناختی از تغییرات معماری جهان پیرامون خود داشته باشند خود مدرن بودند! خانه‌های این محل صرفاً الگوی سنتی عمیق منطقه خود را در دل داشتند و گسترش یافتند. همه این تغییرات باعث شکل‌گیری واحدهای ارزشمندی شده است که محصور کننده است. این واحدها از پلکان داخلی بهره نمی‌برند، هر اتاق فقط از خارج قابل دسترس است. پنجره‌های کوچک کاملاً به جا و مناسب هستند زیرا دیوارها و سقف‌ها - و غالباً کف‌ها - با رنگ سفید شسته شده پوشیده شده‌اند و بنابراین نور را منعکس می‌کنند. هیچ ساختمان بزرگی هماهنگی کلی را مختل نمی‌کند. حتی بسیاری از کلیساها و مکان‌های عمومی خود را به بوم تسلیم کرده‌اند. همانند جزئی از کل و تراشیده شده در پیکر.

قلعه‌های بیابان‌های جنوب مراکش

یک مکانی مستحکم. این به بیانی یک اظهارنظر کنج‌کاو گونه در مورد معماری ما است. جدا از تمدن که مردم با عناصر زیبایی‌شناسی درونی خود پیوند می‌خورند. زیبایی‌شناسی که همچون یک ماجراجویی نمودش را در فضا





دیواری با صدای شما!...

نویسنده: زینب سادات میرطالب

کارشناسی مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
architecturestudentzm76@gamil.com



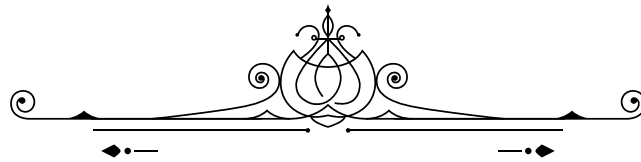
دیوار صدا که توسط panGenerator طراحی شده است موسیقی الکترونیکی از صدای شما تولید می‌کند.

«دیوار صدا» مخاطبان را دعوت می‌کند که داوطلبانه صدای خود را ضبط کنند تا این امکان فراهم شود که این صدای ضبط شده را به شکل‌ها و گونه‌های مختلف بازپخش کند. این پروژه در زمینه آزمایش‌ها در خصوص صدای شهر می‌تواند مؤثر باشد؛ این وسیله تلاشی آزمایشگاهی برای نمایش زندگی در شهر و تبدیل مفهوم صدا به عنصری زندگی بخش در غالب‌های مختلف در کالبد شهر است.

این وسیله در قامت ظاهری خود اشاراتی به هنری به نام نقاشی دیواری دارد؛ هرچند که panGenerator به جای استفاده از یک فرم ایستا و ثابت از سیستم تعاملی نور و صدا بهره می‌برد. طراح این نمونه‌ها آن‌ها را در مازول‌های شش ضلعی گره مانند - مؤلفه اصلی تنظیم - قرار داده است. که این نمونه‌ها امکان ضبط و پخش صدا را فراهم می‌کند و به لطف پیوندهای بیشمار بین گره‌ها، تغییرات بی‌شماری تنها بر روی صدای یک فرد قابل انجام است. گفتگوی آزاد با مخاطب، به دستگاه زندگی می‌بخشد، آن را با معنا اشباع می‌کند و به آن اجازه می‌دهد تا روز به روز تکامل یابد و دائماً صداهای جدید و دنباله‌های جدیدی را وارد این ترکیب کند. برای ایجاد یک قطعه، panGenerator رایانه‌های شخصی سفارشی را طراحی کرده است. هر مازول مستقل است و هیچ کنترل مرکزی روی کل تنظیمات وجود ندارد.

هر مازول فقط در یک مرحله نیازمند به تأمین منابع برقی است و هر گره می‌تواند همسایه خود را توسط کد رمز داری که جهت دار است تعیین کند. چنین رویکردی امکان ایجاد تعداد نامحدودی از گره‌ها و انعطاف پذیری زیاد از نظر چیدمان نصب را فراهم آورد. همچنین تراشه ضبط صدا به طور بالقوه می‌تواند به راحتی با ژنراتور صدای سفارشی جایگزین شود. ■

www.designboom.com موضوع تصویر: دیوار صدا



روستای اصفهک برنده جایزه TODO2020

نویسنده: زینب سادات میرطالب

کارشناسی مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
architecturestudentzm76@gamil.com

بیشتر از تخریب ناشی از زمین لرزه بود. ساختار منحصربه‌فرد معماری روستا از یک سو و منظر طبیعی جالب توجه بافت در کنار تمام خاطرات شیرین زندگی در روستا، از عواملی بود که ایده بازگشت به روستای تاریخی و مرمت آن را ایجاد کرد. با شکل‌گیری ایده مرمت در ذهن جوانان روستا، نخستین اقدامات بازسازی شامل نقشه‌برداری، محله بندی و برداشت گذرهای روستا در خلال سال‌های ۹۲-۱۳۹۱ انجام شد.

در اوایل سال ۱۳۹۳ و در پی بازدید اتفاقی مهندس فرامرز پارسی (یکی از متخصصان مرمت کشور) از بافت روستایی و آشنایی با اقدامات صورت گرفته در آن، آهنگ فرآیند مرمت و بازسازی روستا شدت گرفت. در طول ۲ سال آتی و با همت وی، بیش از چهار گروه دانشجویی با حضور در روستا، به تکمیل اسناد مطالعاتی و تهیه نقشه‌های وضع موجود و طرح مرمت پرداختند. نتیجه این امر، تهیه نقشه‌های وضع موجود بیش از ۴۰ بنا و آماده‌سازی نقشه‌های مرمت و معماری بیش

اصفهک روستایی است تاریخی در ۳۵ کیلومتری شرقی شهر طیس که در جریان زمین لرزه روز ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ به شدت آسیب دید. با کشته شدن بیش از ۸۰ نفر از ساکنان، روستای تاریخی که برای سده‌ها محل سکونت بود، متروکه گشته و به تدریج خالی از سکنه شد، به گونه‌ای که حدود ۵ سال پس از زلزله، تقریباً نشانی از سکونت در روستا به چشم نمی‌خورد.

در پی اقدامات بازسازی پس از حادثه که بلافاصله پس از زلزله شروع شده بود، بازماندگان در خانه‌هایی که جهت اسکان موقت احداث شده بود، مستقر شدند. به تدریج و با ساخت روستای ساکنان به بخش نوساز که عمدتاً واحدهایی حیاط دار بوده و با سبکی متفاوت از الگوی خانه‌های بومی ساخته می‌شدند، نقل مکان کردند. با متروکه شدن روستای تاریخی، فرآیند فرسایش و تخریب آن که در معرض عوامل طبیعی و انسانی قرار داشت، شدت یافت، به گونه‌ای که در بازه‌ای ۳۵ ساله تأثیر فرسایش بر ابنیه خشتی روستا، به مراتب



خود به قدم زدن وادار کند، دیوارهای کوتاه گلی پیچ در پیچ که همانند تونلی نسیم خنک را در کل روستا به حرکت در می آورد. اوج زیبایی های این بناها را نخل هایی که در بین خانه ها کاشته شده است و هوای روستا و منظره آن را بسیار زیبا و چشم نوازتر کرده است. نخل هایی که از فاصله ای دور این روستا را به همگان معرفی می کند.

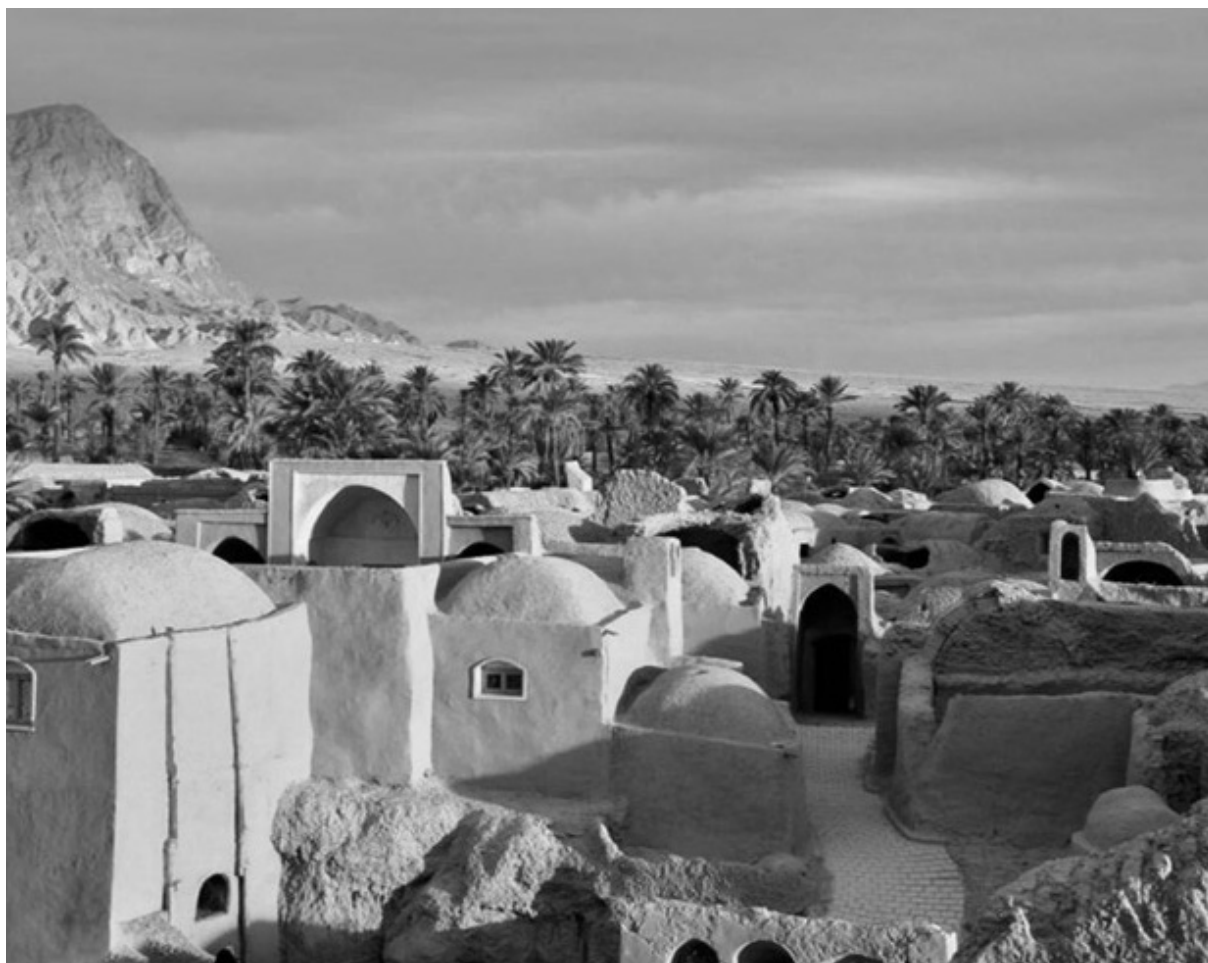
جایزه TODO2020:

این جایزه از طرف مؤسسه Studienkreis für Tourismus und Entwicklung هرساله از طریق فراخوان عمومی و بررسی تمام طرح های گردشگری از کل دنیا، به پروژه ای اهدا می شود که در حوزه مشارکت در گردشگری فعال باشد و سودآوری حاصل از این پروژه به مردم محلی تعلق گیرد، همچنین از دیگر شاخصه های مهم برای این جایزه می توان به زیست محیطی بودن و عدم تبعیض جنسیتی اشاره کرد. این جایزه در یکی از بزرگ ترین نمایشگاه های گردشگری دنیا itb برلین در اوایل ماه مارس از طرف این مؤسسه و در برلین به اصفهک اهدا خواهد شد. ■

از ۱۵ بنا و آموزش فنی جوانان روستاست که با پشتیبانی علمی و فنی مهندسان مشاور عمارت خورشید تهیه شده است.

این مجموعه باستانی بناهای ارزشمندی نظیر مسجد، حمام، خانه هایی باستانی و همچنین نخلستانی بسیار ارزشمندی است. در گذشته مردم این روستا درازای پرداخت هزینه حمام گندم و غذا به حمامی می دادند.

از ویژگی های این روستا معماری ویژه و مناسب آن با آب و هوایی کویری می باشد. در این روستای متروکه خبری از هیچ گونه سازه های آجری و مدرن نمی باشد. تمام بافت این روستا را خانه های گلی و خشتی، تشکیل داده اند که با هنرمندی تمام در زمان خود توسط قدما و گذشتگان ساخته شده اند. از این رو معماری روستا به معماری خشتی معروف است. متریاال های اصلی: خشت، آجر، گروت پایه رسی و چوب می باشد. دیوارهای گلی و سقف ها گنبدی شکل که گرمای طاقت فرسای کویر را از بین برده و نسیم خنک هوا را به دل خانه های ساکنان این روستا می کشاند. از زیبایی های این روستا که می توان هر گردشگری را ساعت ها در دل





مردم، حضور و یک تصمیم

نویسنده: محمدتقی راسفijani
دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
mohammad_rasfijani@yahoo.com

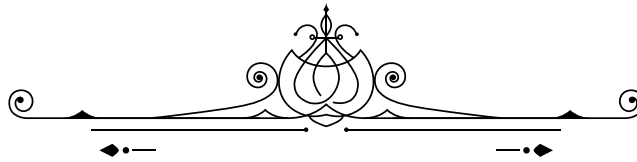
جوهر دموکراسی است که از تأمین حق انتخاب شدن انتخاب کردن و مشارکت در حیات سیاسی و اجتماعی پدید می‌آید. در نظام‌های دموکراتیک امروزی، اراده و رضایت مردم، از طریق انتخابات بروز می‌یابد. انتخابات، امکان آن را فراهم می‌سازد، که مردم فارغ از هرگونه ترس و فشار و نگرانی، آزادانه، زمامدار مورد نظر خود را برگزینند. مکانیسم انتخابات به‌گونه‌ای است، که به صورت طبیعی، توافق نظر اکثریت مردم را آشکار می‌سازد. یعنی هرکسی می‌خواهد در مرجعیت رهبری و استفاده از قدرت سیاسی قرار گیرد، باید توافق اکثریت مردم را با خود داشته باشد، تا بتواند به مشروعیت اعمال قدرت برسد.

سال ۱۳۹۸ سال خاصی از نظر تحولات سیاسی و اقتصادی در تاریخ معاصر ایران است. فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌های ظالمانه از یک‌سو و تحولات و ناآرامی‌های پراکنده داخلی از سوی دیگر سبب شد که انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی از حساسیت بالایی برخوردار باشد. از روی دیگر شهادت نا به هنگام سردار سلیمانی و شیوع پاندمیک جهانی تهدیدی دیگر بر تمامیت انتخابات است. اسفند ۹۸ اما روی دیگر سکه را نشان می‌دهد. مردم که انتخابات را تبلور دموکراسی می‌دانند به‌پای صندوق‌ها می‌روند تا نشان دهند اصلح روی نمی‌دهد مگر از زبان دموکراسی. مشارکتی که بار دگر برگ برنده‌ای برای مردم ایران است و پیامش مشخص. اراده این مردم آهنین است و تاب آوری شان ستودنی. مشارکت کمتر از ۵۰٪ درصدی در سطح کشور اگرچه اندکی از مشارکت دوره‌های قبل پایین‌تر می‌نماید اما کماکان از متوسط جهانی آن بالاتر است و همین نشان‌دهنده اعتقاد به انتخابات به‌عنوان اهرمی برای مشارکت در تصمیم‌های کلان دارد. ■



برکسی پوشیده نیست که نظام‌های مردم‌سالار به فرآیند انتخابات به عنوان ستونی برای ادامه حیات وابسته‌اند. در تعریفی دیگر می‌توان رابطه‌ای مستقیم میان دموکراسی و انتخابات متصور شد. جمله «میزان رأی ملت است» شاید اولین تلاش‌های به ثمر رسیده از ملتی باشد که سال‌ها برای تبدیل فردگرایی به نظام‌های مردم محور در ایران خوش ریشه شده است. اما دموکراسی خود پیچیدگی‌های فراوانی دارد که الزام به آن را گاهی دشوار می‌سازد. در ایران، این کشور قدیمی پادشاهی که هزاران سال بر این منوال اداره می‌شده است، دموکراسی چونان فرزندی نوپا می‌ماند که مسیرهایی پر پیچ و تاب را برای رسیدن به بلوغ پیش روی خود می‌بیند. هنوز در حال تجربه و شناخت است و ابزارش که انتخابات آزاد برای مردمانش است نیز در حال جوانه زدن است. مقایسه عمر چهارصد ساله انتخابات در دنیای غرب و ورود به دهه پنجم این امر در ایران نشان دهنده اختلاف مفهومی است که میان دو معنی وجود دارد. انتخابات از محوری ترین مؤلفه‌های دموکراسی محسوب می‌گردد. این مؤلفه کارکردهای متعدد و گوناگونی دارد. چرخش قدرت میان حلقه نخبگان از مهم‌ترین و اساسی‌ترین کارکرد انتخابات می‌باشد. این مهم بدون مشارکت مردم ممکن نمی‌گردد. پس انتخابات نیازمند مشارکت مردم است. مردمی که پیش از انتخاب باید خود را جزئی از سیستم و محترم بشمارند تا انگیزه‌ای برای این مشارکت به وجود آید بلکه چرخ‌های دموکراسی بدون زنگ‌زدگی بچرخند. این امر در ایران ما با شور فراوان به تیتتر خبرها بدل گشت. مشارکت‌های حداکثری حالا از برچسب‌های انتخابات ایران در سطوح بین‌المللی است. مردمی که از زمان مشروطه که فریاد آزادی سر دادند تا همین تحولات اخیر دمی نیاسایند و تلاطم روزگار گاهی جانیشان، گاهی فکرشان و گاهی نانشان را هدف گرفته است. اما هدف برادر یقین است و انتخابات امیدی است همچون آخرین تیر که در ترکش این مردمان هنوز زنده است. انتخابات آزاد در معنی همان صداست. صدایی که سهم مردم است و در عمر انقلاب اسلامی ایران مردم به خوشی آن را فریاد زده‌اند. هر بار پرشکوه تر و هر بار مظلوم تر.

دموکراسی با قوم و قبیله رابطه ندارد؛ بلکه دموکراسی با شهروند رابطه دارد. در دموکراسی مفهوم شهروندی با معیارهای قومی و زبانی شکل نمی‌گیرد. از اینجا می‌توان گفت که نظام دموکراسی نظامی است که در آن اراده مردم بر اساس یک انتخابات آگاهانه و متکی بر داد اجتماعی پدید می‌آید و اراده مردم را متبلور می‌سازد. نظام دموکراسی را حکومت مردم توسط مردم برای مردم نیز تعریف کرده‌اند که یک تعریف بسیار کلاسیک است. این تعریف درواقع بیان



ضرورت اقامه نماز جماعت در دانشگاه

نویسنده: حسین عندلیب

استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و استادیار همکار دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)
hoseinandalib@yahoo.com

ورود به دانشگاه و شروع زندگی دانشجویی خود به نوعی سرآغاز رویارویی با مجموعه‌های مجهولات، تحولات و تغییرات است که بی‌شک پیامدهایی از قبیل احساس ترس، بی‌اعتمادی به آینده، اختلالات انطباقی، رفتاری و اخلاقی در پی خواهد داشت. از آنجاکه نماز، دعا، نیایش و مناجات در فرهنگ غنی اسلام ذکر محسوب می‌شوند و برابر آیات و روایات اذکار به‌عنوان یک سپر حمایتی انسان در برابر مسائل و بلاها می‌باشد (بناکار و همکاران، ۱۳۸۰). لازم است که دانشجویان تشویق به شرکت در نماز به‌خصوص نماز جماعت شوند و شاید یکی از مهم‌ترین مسائلی که فکر دین‌داران جوامع گوناگون بشری را به خود جلب کرده، این مسئله است که چگونه فرزندان جامعه را دین‌دار و نمازخوان کنند و آن‌ها را از بهره‌های فراوان این ودیعه آسمانی پر نصیب سازند (محمدی و عباسیان، ۱۳۸۹). همچنین رشد سریع مفهوم معنویت در محیط دانشگاهی از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ چراکه اگر معنویت در محیط دانشگاهی به کار گرفته شود، سعادت و خلاقیت فردی ایجاد و هماهنگی سازمانی را افزایش می‌دهد. با این حال به نظر می‌رسد با وجود تلاش‌های فراوانی که در برپایی نماز جماعت در مدارس، دانشگاه‌ها و مساجد سراسر کشور، باهدف جذب جوانان به نماز جماعت صورت گرفته است، میزان پایبندی به این فریضه الهی در حد مورد انتظار نیست و هرچند باینکه تربیت دینی و نماز یکی از ارکان و مصوبه‌های آموزش و پرورش و دانشگاه‌های کشور است اما متأسفانه احساس می‌شود علاقه به نماز در بین نوجوانان و جوانان کاهش یافته و مساجد و نمازخانه‌ها به نحو مطلوب مورد استفاده جوانان قرار نمی‌گیرد (الحسینی، ۱۳۸۹). حال سؤال این است چرا با وجود اهمیت، فضیلت و جایگاه نماز در رشد انسان‌ها و تعالی جوامع، در میان نوجوانان و جوانان برخی آن چنانکه باید به نماز اهمیت نمی‌دهند (ذوالفقاری و خلجی، ۱۳۹۰).

به نظر می‌رسد معرفی ضرورت و آثار و فواید برگزاری نماز جماعت در محیط دانشگاه بتواند حضور کمی و کیفی دانشگاهیان را در این فریضه الهی تقویت نماید.

نماد وحدت علم و دین

برگزاری نماز جماعت در دانشگاه نماد وحدت علم و دین می‌باشد. چه اینکه ما مسلمانان معتقدیم که نه تنها فراگیری علم با دین تعارضی ندارد بلکه دین مکمل علم و نیاز ضروری هر دانشجو، استاد و دانش‌پژوهی است. برپایی نماز جماعت می‌تواند علم‌آموزی قرین با دین‌داری را به نمایش بگذارد و این گزاره بنیادین را در ذهن دانشجوی مسلمان نهادینه سازد که «علم به همراه دین‌داری مفید و نجات‌بخش است». علم منهای دین و دین‌داری منجر به سوءاستفاده‌ها و از بین بردن حقوق مردم، محیط‌زیست و حتی حقوق حیوانات می‌گردد. چه اینکه برای علم سکولار تنها اهداف مادی و پیشرفت بدون قید و شرط ملاک است و حال آنکه دین و باورهای دینی پیشرفت به هر وسیله را روا نمی‌داند. به‌عنوان نمونه نتیجه علم سکولار، ساخت سلاح هسته‌ای، تجاوز و جنگ و خشونت به کشورهای دیگر، دست‌اندازی به منابع دیگر کشورها و استعمار و استثمار می‌باشد. لکن علم به همراه باورهای دینی همه مصادیق پیش‌گفته را ممنوع می‌داند.

عامل ایجاد آرامش روحی

مشکلات و سختی‌ها، ناملایمات و ناکامی‌ها و حجم کاری و تحصیلی برای استاد و دانشجو ناآرامی‌های را در پی دارد. برپایی نماز جماعت به‌عنوان فریضه الهی نقش مهمی در کاهش استرس‌ها و ناآرامی‌ها و ایجاد آرامش دارد. از منظر قرآن کریم، ذکر و یاد خداوند که یکی از مصادیق بارز آن نماز و شکل پسندیده و مورد تأکید آن نماز جماعت است که سبب ایجاد آرامش روحی بلکه بالاتر از آن «اطمینان قلبی» می‌گردد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ مفسرین در تفسیر اطمینان قلبی نوشته‌اند: هر وقت که دل آدمی به یاد خدا بیفتد اولین اثری که از خود نشان می‌دهد اینک است که مُلتفتِ قصورها و تقصیرها و گناهان خود گشته، آن‌چنان متأثر شود که عکس‌العملش در جوارح، لرزه اندام باشد. دومین اثرش این است که متوجه پروردگارش می‌شود که هدف نهایی فطرت اوست و در نتیجه خاطرش سکون یافته و به یاد او دلش آرامش می‌یابد... و در اینکه فرمود: «الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» تنبیهی است برای مردم به اینکه متوجه پروردگار

از ظاهر الفاظ آیه انحصار فهمیده می‌شود، چون متعلق فعل یعنی «يَذْكُرُ اللَّهَ» بر خود فعل یعنی «تَطْمِئُنُّ» مقدم آمده، در نتیجه می‌فهماند که دل‌ها جز به یاد خدا به چیز دیگری اطمینان نمی‌یابد. بیان گذشته ما نیز اینکه معنا را روشن می‌کند، زیرا گفتیم که دل‌های آدمیان که همان نفوس مدرکه باشد هیچ هدفی جز رسیدن به سعادت و امنیت از شقاوت ندارد و به همین جهت است که دست به دامن اسباب می‌زند و چون هیچ سببی از اسباب نیست مگر آنکه از جهتی غالب و از جهتی مغلوب است و تنها سبب غالب و غیر مغلوب خدای سبحان و خدای غنی و ذو الرحمة است، پس تنها به یاد او دل‌ها آرامش می‌یابد و اگر دلی به یاد غیر او آرامش یابد، دلی است که از حقیقت حال خود غافل است و اگر متوجه وضع خود بشود بدون درنگ دچار ریشه و اضطراب می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، المیزان ج ۱ ص ۴۵۶-۴۵۷).

روانشناسان دین نیز بر اثر آرام بخشی، مناسک دینی همچون نماز تأکید دارند. ویلیام جیمز نماز و نیایش با خداوند را گوهری‌ترین و روحانی‌ترین ابعاد دین می‌شمارد: «اما دعای مشتمل بر درخواست فقط بخشی از نماز و نیایش است و اگر این واژه را به یک معنای وسیع‌تری در نظر بگیریم، یعنی هر نوع ارتباط یا گفت‌وگوی باطنی با قدرت الوهی، می‌توانیم به راحتی مشاهده کنیم که نقدهای علمی دیگر بر آن دست نخواهد یافت. نماز و نیایش به این معنای وسیع، روحانی‌ترین و گوهری‌ترین بخش دین است... نیایش همان دین در مقام عمل است، یعنی نیایش دین واقعی است» (جیمز، ۲۰۰۲، ص ۳۵۸، ۳۵۹).

ویلیام جیمز در آخرین گفتار خود نیز ویژگی‌های حیات دینی را بر می‌شمارد و یکی از آن‌ها را دعا و نیایش می‌داند: «دعا یا اتصال با روح عالم خلقت -خدا یا نظم کائنات- فرایندی است که در آن واقعاً کاری «با ثمر» انجام می‌شود و قدرتی

خود بشوند و با یاد او دل‌های خود را راحت سازند، چون آدمی در زندگی خود هدفی جز رستگاری به سعادت و نعمت نداشته و بیمی جز از برخورد ناگهانی شقاوت و نعمت ندارد و تنها سببی که سعادت و شقاوت و نعمت و نعمت به دست اوست همان خدای سبحان است، چون بازگشت همه امور به اوست و او است که فوق بندگان و قاهر بر آنان و فعال ما یشاء و ولی مؤمنین و پناهندگان به اوست، پس یاد او برای نفسی که اسیر حوادث است و همواره در جستجوی رکن وثیقی است که سعادت او را ضمانت کند و نفسی که در امر خود متحیر است و نمی‌داند به کجا می‌رود و به کجایش می‌برند و برای چه آمده، مایه انبساط و آرامش است، آن‌گونه که نوش دارو مایه راحتی و آرامش مارگزیده است. همان‌طور که مارگزیده به نوش دارو ركون و اعتماد نموده، خود را به آن می‌رساند و پس از بکار بردن آن فانا احساس نشاط سلامتی و عافیت می‌کند، نفس نیز از یاد خدا اینکه احساس را می‌نماید.

پس هر قلبی به‌طوری که جمع محلی بالف و لام (القلوب) افاده می‌کند یا ذکر خدا اطمینان می‌یابد و اضطرابش تسکین پیدا می‌کند. آری، اینکه معنا حکمی است عمومی که هیچ قلبی از آن مستثنا نیست، مگر اینکه کار قلب بجایی برسد که در اثر از دست دادن بصیرت و رشدش دیگر نتوان آن را قلب نامید، البته چنین قلبی از ذکر خدا گریزان و از نعمت طمانینه و سکون محروم خواهد بود هم چنان‌که فرموده: «فَأَنَّهُ لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» دیدگان کور نمی‌شود ولیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌گردد. (سوره حج، آیه ۴۶) و نیز فرموده: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا» قلب دارند ولیکن با آن نمی‌فهمند. (سوره اعراف، آیه ۱۷۹) و نیز فرموده: «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» خدا را فراموش کردند خدا هم ایشان را فراموش کرد (سوره توبه، آیه ۶۷).





معنوی به همراه آثار روان‌شناختی یا جسمانی در ما جریان می‌یابد» (همان، ص ۳۷۵). حتی جیمز با نقل قول و تأیید سخنان اگوست ساباتیته الهی دان فرانسوی، دعا و نماز را ملاک تمایز دین واقعی از دین طبیعی {یا دین عقلانی} و غیر دین می‌داند: «...حالا از اینجا می‌توان فهمید که چرا دین طبیعی را نمی‌توان دین نامید؛ زیرا در آنجا دعا و نمازی وجود ندارد. در اینجا آدمی و خدا از هم جدا می‌باشند، نه ارتباط قلبی ایجاد شده، نه گفت‌وگویی صورت گرفته نه فیضی از

خداوند جاری گشته و نه از جانب انسان، اظهار بندگی به خدا عمل آمده، در حقیقت دین طبیعی یک فلسفه است نه دین» (همان، ص ۳۵۹). هرچند نگاه صرفاً کارکردگرایان و پراگماتیسمی به مقوله‌های معنوی از جمله نماز دارای اشکالات و انتقاداتی می باشد (ر.ک: عندلیب، ۱۳۹۷) لکن و درعین حال نباید از آثار و برکات و فواید نماز غافل ماند و البته نباید صرفاً بر کارکردهای نماز تمرکز کرد و از حقیقت روحانی آن غافل ماند. ■

قرآن کریم

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی.

آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۱)، روانشناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

عندلیب، حسین (۱۳۹۷)، نقد و بررسی کارکردگرایی نماز از منظر اسلام و روان‌شناسی دین، دو فصلنامه معارف فقه علوی، اردیبهشت ۹۷.

الحسینی، سیدمصطفی، (۱۳۸۹)، بررسی میزان گرایش جوانان استان مرکزی به نماز جماعت و ارزیابی عوامل مؤثر بر آن. مسجد، جوانان، چالش‌ها و راهکارها: چکیده مقالات هجدهمین اجلاس سراسری نماز / گردآورنده معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش ستاد اقامه نماز. تهران، انتشارات ستاد اقامه نماز.

بناکار، بختیار؛ ایرج هاشم زاده، ابوالحسن فرامرزی، فرهود نیکوئی، (۱۳۸۰)، نگرش دانشجویان دانشکده علوم پزشکی فسا نسبت به اثربخشی نماز. فصلنامه طب و تزکیه، شماره ۲.

محمدی، عبدالرضا و محمد عباسیان، (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر تقویت و ارتقای معنویت دانشجویان بررسی موردی دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع)، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۳۹.

ذوالفقاری، علیرضا و حسن رضا خلجی، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان حضور دانشجویان در نماز جماعت دانشگاه آزاد اسلامی واحد توپسرکان، نشریه دین و ارتباطات، شماره ۱.

منابع

معاونت فرهنگ و دانشجو به دانشگاه آزاد اسلامی با همکاری واحد قزوین برگزار می کنند

جشنواره موج (ایده ها و فناوریها فرهنگ خلاقانه)

محورهای جشنواره: محصولات دیجیتال، بازی و سرگرمی، زیارتی، گردشگری، صنایع دستی



زمان برگزاری: اردیبهشت ماه ۱۳۹۹



به ۵۰ ایده ی منتخب جوایز ارزنده ای اعطا خواهد شد

به سه نفر برتر علاوه بر جوایز فوق جوایزی به شرح ذیل نیز اعطا خواهد گردید

نفر اول: ۳۰ میلیون تومان وام بلاعوض + وام قرض الحسنه جهت تبدیل ایده به محصول

نفر دوم: ۲۵ میلیون تومان وام بلاعوض + وام قرض الحسنه جهت تبدیل ایده به محصول

نفر سوم: ۲۰ میلیون تومان وام بلاعوض + وام قرض الحسنه جهت تبدیل ایده به محصول

محل برگزاری: دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

 moj.qiau.ac.ir



فرصت شرکت در جشنواره موج تمدید شد.

فرصت شرکت در جشنواره موج (ایده ها و فناوری های فرهنگی خلاقانه)، که پیشتر قرار بود در اردیبهشت ۱۳۹۹ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین برگزار گردد، تمدید شد.

رویداد با هدف شناسایی و توانمندسازی دانشجویان خلاق و معرفی آنها به مراکز نوآوری و شتابدهی و انجام حمایت های لازم صورت میگیرد. این جشنواره به عنوان یک رویداد ایده پرور در سطح ملی، به عنوان بستری مناسب جهت تقویت نگاه خلاقانه و علمی به نیازهای حوزه فرهنگی در نظر گرفته شده است. از این رو معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری و شعار سال ۱۳۹۸ «رونق تولید» در نظر دارد با هدف رشد فکری و تقویت خلاقیت و نوآوری و حمایت از آثار و محصولات دانشجویان با رویکرد فرهنگی و دینی و حمایت از ارائه محصولات دانشجویی، جشنواره موج (نخستین جشنواره ایده ها و فن آوری های فرهنگی خلاقانه) را به میزبانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین برگزار نماید. ■

دکتر موسی خانی رئیس دانشگاه آزاد استان قزوین درخصوص درخواست تعدادی از شرکت کنندگان مبنی بر تمدید زمان شرکت در جشنواره اعلام نمودند: با توجه به شیوع ویروس کرونا و بنا بر تاکیدات ستاد ملی مبارزه با کرونا مبنی بر پرهیز از برگزاری هرگونه تجمع و برنامه جمعی و همچنین درخواست های مکرر دانشجویان برای تمدید زمان شرکت در این جشنواره سراسری ، دانشجویان گرامی دانشگاه های آزاد اسلامی در سراسر کشور تا پایان تیرماه ۱۳۹۹ میتوانند در این جشنواره شرکت نموده و ایده های خلاقانه فرهنگی خود را در سایت جشنواره بارگذاری نمایند و در مردادماه ایده ها داوری شده و در ۲۹ مرداد ماه ایده های برتر معرفی و تقدیر میگردد. جشنواره موج جشنواره ای تخصصی جهت شناسایی ایده و محصولات فناورانه فرهنگی است که در دو سطح ایده و محصول برگزار میشود. این

برگزاری دومین دوره طرح دانش افزایش شهید شهرپاری در دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

شد. همچنین اکران فیلم و برگزاری مسابقات متنوع ورزشی از دیگر بخش های این دوره بود. ■



دومین دوره طرح شهید شهرپاری با هدف دانش افزایشی استادان هیات علمی دانشگاه های آزاد اسلامی استان قزوین به منظور حضور فعال تر استادان در جریانات اجتماعی و فرهنگی و ایجاد شبکه های همگرایی بین استادان، در واحد قزوین برگزار گردید.

به گزارش واحد تبلیغات و اطلاع رسانی فرهنگی ، در این طرح ۳ روزه ، استادان عضو هیات علمی در سطح دانشگاه های آزاد اسلامی استان در دوره های مختلف و برنامه های متنوع علمی، فرهنگی و ورزشی شرکت نمودند.

افزایش دانش و معرفت استادان، به روزرسانی اطلاعات و آشنایی با مباحث روز جامعه از جمله اهداف برگزاری دوره طرح شهید شهرپاری عنوان شده است.

مهارت های ارزیابی آموزشی، مدیریت تشکیلاتی، جریان شناسی فکری، مهارت تشکیلاتی، اندیشه سیاسی و سواد رسانه ای از مباحثی بود که طی این سه روز در این دوره پیرامون آن بحث و تبادل نظر

برگزاری دوره آموزشی عفاف و حجاب و راهکارهای گسترش آن در جامعه

در این دوره آموزشی که با حضور استادان و کارکنان دانشگاه برگزار شد، دکتر محمدبیگی دبیر بنیاد عفاف و حجاب استان قزوین در رابطه با عفاف و حجاب و راهکارهای گسترش آن در جامعه، مطالبی بیان کرد. ■

به همت دفتر مطالعات و پژوهش های فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، دوره آموزشی عفاف و حجاب و راهکارهای گسترش آن در جامعه در این دانشگاه برگزار شد. به گزارش واحد تبلیغات و اطلاع رسانی فرهنگی،



برگزاری کارگاه های آموزشی نماز

حوزه و دانشگاه و مرکز فرهنگی پاسخگویی به پرسشهای دینی حوزه علمیه قزوین به مدت ۸ ساعت و کارگاه آموزش نماز با موضوع شیوه های دعوت به نماز و نقش تقلید در زندگی، ویژه مدیران و اساتید هیأت علمی دانشگاه های آزاد اسلامی استان قزوین با حضور حجت الاسلام والمسلمین موسوی مدیر ستاد اقامه نماز استان قزوین به مدت ۸ ساعت در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین برگزارگردید. ■

کارگاه های آموزشی نماز، ویژه کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی قزوین و همچنین اساتید هیأت علمی و مدیران اجرایی دانشگاه های آزاد اسلامی استان قزوین، در دو جلسه جداگانه در دانشگاه آزاد اسلامی قزوین برگزار گردید.

به گزارش واحد تبلیغات و اطلاع رسانی فرهنگی، کارگاه آموزشی نماز با موضوع آشنایی با نماز جماعت و برکات آن ویژه کارکنان دانشگاه با حضور حجت الاسلام والمسلمین نعمتی از اساتید



برگزاری کارگاه آموزش فرهنگ عمومی با عنوان (موفقیت در روابط اجتماعی)

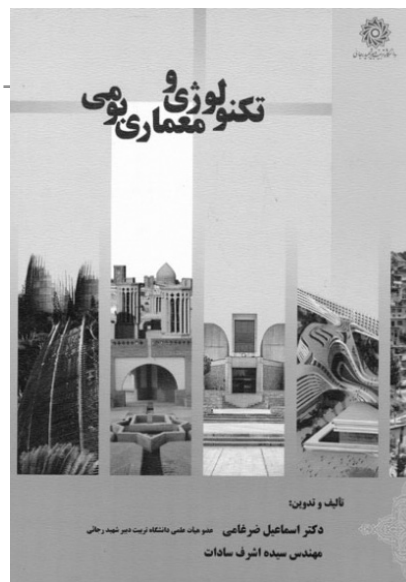
کارگاه آموزش فرهنگ عمومی با عنوان (موفقیت در روابط اجتماعی) به همت گروه پژوهشی مطالعات و نظریه های فرهنگی پژوهشکده مطالعات میان فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی و با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین برگزار گردید. به گزارش واحد تبلیغات و اطلاع رسانی فرهنگی ، کارگاه آموزش فرهنگ عمومی با عنوان (موفقیت در روابط اجتماعی) ویژه اساتید ، کارکنان با حضور حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدی استاد حوزه و دانشگاه و جمعی از اساتید و کارکنان دانشگاه های آزاد اسلامی استان قزوین (واحدهای تاکستان ، بوبین زهرا و قزوین) در واحد قزوین برگزار گردید.



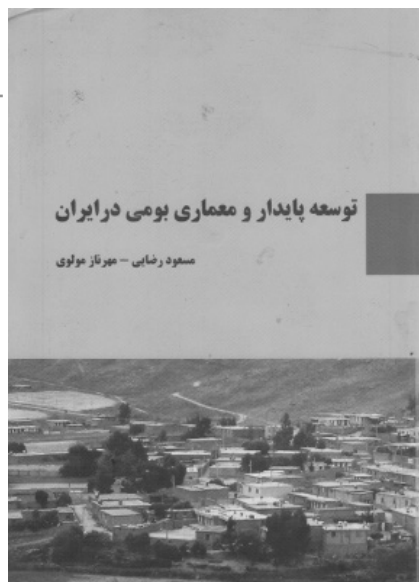
به گزارش واحد تبلیغات و اطلاع رسانی فرهنگی، جلسه دوم کارگاه آموزش فرهنگ عمومی با عنوان (موفقیت در روابط اجتماعی) ویژه اساتید ، کارکنان دانشگاه های آزاد اسلامی استان قزوین در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین نیز با سخنرانی خانم دکتر باقری، روانشناس و مشاور خانواده برگزار گردید. ■



معرفی کتاب



با توجه به آنکه تکنولوژی یکی از ضروریات زندگی امروز و دنیای متمدن و پیشرفته است و سبب کیفیت دهی در صدد آن است با شناخت معماری بومی که فرهنگ، اقلیم، تکنولوژی نهفته در خود را با بهره‌گیری از تکنولوژیهای پیشرفته دنیا، خود را به روز کرده و سطح خدمات و توانایی و زیبایی و تاثیراتش را ارتقاء دهد. به موازات آن در جهت ارائه راهکارهایی به منظور طراحی فضایی با کیفیت و هویت تلاش کند. همچنین آغازگر نگاهی محترمانه و با اصالت به معماری بومی باشد. که تسری این امر در طراحیهای توسعه روستایی، حوزه آموزش معماری، همچنین محیطهای مختلف از جمله: فضاهای آموزشی، اداری، مسکونی برای پیشبرد معماری بومی و اعتلاء فرهنگهای ساختوساز بومی بسیار مؤثر خواهد بود. ■



چشم انداز زیست محیطی، توسعه تنها زمانی پایدار است که بر شالوده اصول بوم شناسی استوار باشد. یعنی در هماهنگی و تناسب با محیط بوده و بر اساس این خصیصه، ویژگی های بوم شناختی و ماهیت منابع طبیعی در نظر گرفته می شود. استفاده از مصالح بومی، انتخاب رنگ و اشکال مناسب، توجه به نوع و روش بهره گیری از منابع طبیعی، انتخاب منابع انرژی مناسب، احساس مالکیت انسان بر اشیا و فضاها به عنوان عاملی در جهت حفاظت و بهره برداری بهتر، را میتوان از مشخصه های اصلی بومی توسعه پایدار نامید. از طرفی وجود موانع اقلیمی و طبیعی از عوامل محدود کننده توسعه پایدار در مناطق هستند که در گذشته با ابداع روش های موثر و مناسب نظیر احداث حیاط مرکزی، بادگیرها غیره، ادامه حیات برای بومیان فراهم شده است. ■

“ ”

**«نشریه آسمانه» از علاقه
مندان به مقاله نویسی، عکاسی،
کارهای گرافیکی و هنری و
وبلاگ نویسی در بخش های
مختلف نشریه دعوت به همکاری
می نماید.**

فرم نظرسنجی



فرم اشتراک



جهت ارسال آثار خود به منظور بررسی و چاپ در
نشریه، و همچنین سفارش آگهی، از راه های ارتباطی
زیر استفاده کنید:

تلفن همراه: 0912 887 0772 (غیاثوند)
تلفن ثابت: 028 3366 5275 (داخلی 6006)
ایمیل: info.asmanehmag@gmail.com

نشانی دفتر نشریه: قزوین، بلوار نخبگان، دانشگاه
آزاد اسلامی قزوین، ضلع غربی مسجد امام رضا (ع)،
ساختمان حوزه فرهنگی، طبقه اول، خانه نشریات

Index

Notes and Articles

- Architecture Without Architect / Mohammad Esmail Heydari 6
- Nature, as an Architect / Behnaz Montazer 8
- Explaining the Characteristics of Old Cities with Organic Context / Elnaz Zarghami 14
- Biomimircy; Architectural Pattern Based on the Nature of Fauna / Fatemeh Sarhaddi 18
- Memory; Hidden Authors / Seyed Farid Tavakoli 22
- Symbolic Architecture is a Manifestation of Architecture Without an Architect /Abolfazl Karbalayi Hoseini Ghasvand 26

Introducing Examples and Works

- Architecture Without Architect by Studying the Architecture of the Shilander Village / Farshid Rahimi Kalahrudi 30
- Passing Over Examples Without Architects Around the World / Mohammad Taghi Rasfijani .. 36

Reports and Architectural Innovations

- A Wall with Your Voice! / Zeinab Sadat Mirtaleb 38
- Esfahak Village Wins TODO2020 Award / Zeinab Sadat Mirtaleb 39

Cultural News and Articles

- People, Presence and a Decision / Mohammad Taghi Rasfijani 42
- Necessity of Holding Congregational Prayers in the University / Hossein Andalib 43
- Opportunity to Participate in Moj Festival has been Extended 47
- Holding the Second Course of Shahid Shahriari's Knowledge Development Project in QIAU .. 47
- Holding a Training Course on Chastity and Hijab and Ways to Spread it in Society 48
- Holding a Prayer Workshop 48
- Holding a Public Culture Training Workshop Entitled (Success in Social Relations) 49

Book Introduction

- Vernacular Technology and Architecture 50
- Sustainable Development and Vernacular Architecture in Iran 50

Asemane

Subject: Seventh Art Architecture

Scientific and Cultural Journal
Volume 2 | Issue 5 | Winter 2019 & Spring 2020

The Foundation Of The Journal:

Concessionaire:

MohammadTaghi Rasfijani

CEO and Editor in Chief:

MohammadTaghi Rasfijani

Scientific Advisor of the Journal:

Dr. Jamaledin Soheili

Abolfazl Karbalaei Hosseini Ghiyasvand

Administration Manager:

behnaz montazer

Head of public relations:

Farshid Rahimi Kalahroudi

The Editorial Board:

Abolfazl Karbalaei Hosseini Ghiyasvand
/ Behnaz Montazer / Farshid Rahimi
Kalahroudi / MohammadTaghi Rasfijani /
Fateme Sarhaddi/ Farid Tavakoli

Partners of this Issue:

Anooshe Pirkadiyan /Hosein Andalib /
Mohammad Esmaeil Heydari /Zeynab Sadat
Mirtaleb / Elnaz Zrghami Soltan Ahmadi

Graphics and Visuals:

Cover Page Designer: Ali Nafaripour

Layout Designer: Mahdis hooshyar

Special Thanks To:

Cultural and Student Deputy of QIAU
Research Deputy of Qazvin IAU

Translator:

Behnaz Montazer

Contact Information:

Address: Qazvin, Nokhbegan Blvd, QIAU,
Department of Architecture and Urban
Planning, West of Imam Reza Mosque,
Department of Culture, First Floor,
House of Publications

Phone: 5275 5275 28 98+ (Extension 6006)

Email: info.asemanehmag@gmail.com

• This magazine is licensed by the Cultural and Student Deputy of the Islamic Azad University of Qazvin as No. 02/97/K.N which is dated 2018/10/06.

• Each of the articles in this magazine only reflects the author's opinion and aims to provide different ideas about architecture and urbanization.

• Quoting a piece of an article or publication materials is allowed only if the name and the source of the text is mentioned.



Editor's Word

Human beings are the result of development, practice, and revelation that which has been adjusted and evolved continuously to what he has become today throughout history. Taking refuge in caves until the conquest of all lands has been the product of the flourishing of his latent potential, which is based on experience. Architecture, such as other elements, through variables, reflects the fundamental human need as the result of aforementioned development. An experimental product that has become academic knowledge in recent centuries; But in the struggle to develop the principles and evolution of this science, the most of cities and buildings were built based on Experimental knowledge, which was not the product of the science of a learned architecture. Buildings without architecture that now are known as interactive heritage. Interacting not with the environment, not with the individual, but with the tiny components around, whether Physical or immaterial. The knowledge that has been transferred empirically that responds to different dimensions of the user's needs without engaging in the labyrinth of art rules and dimensions.

The fifth issue of Asmane Magazine deals with architecture that is vernacular and is a self-made and expanded production of the same region. Surprises that are now the place of contemplation of professors and current people.

This issue of the magazine, following the mission to which it has been committed, and like its previous issues, has tried to write other dimensions of architecture in interaction with various aspects of arts and life and in a simple way to the best of its ability. So that it is not only attractive for the general audience but also the student circles. ■

MohammadTaghi Rasfijani

CEO and Editor in Chief of the scientific and cultural journal of

Asemane

June 2020

IN THE NAME OF GOD

Asemane

scientific and cultural journal

VOLUME 2 - ISSUE 5
WINTER & SPRING 2020

